

وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا

و هر کس از شما که با فروتنی، از خدا و پیامبرش فرمان برد و کار شایسته بکند، پاداشش

نُوتَهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا ﴿۳۱﴾ يٰنِسَاءَ

را دوچندان به او می‌دهیم و برایش رزق و روزی عالی آماده کرده‌ایم. ۳۱ ای زنان پیامبر، اگر خود را (از خشم خدا)

النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ

حفظ کنید، مانند هیچ‌یک از زنان (دیگر) نخواهید بود. بنابراین، (هنگام صحبت با نامحرم)، با ناز و عشوه سخن

بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقَلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ﴿۳۲﴾

مگویند؛ که مردانی که در دل‌هایشان بیماری (و هرزگی) است، (به شما) طمع می‌کنند؛ و شایسته سخن بگویید. ۳۲

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ

و در خانه‌هایتان بمانید و همچون خودنمایی (زنان در دوران) جاهلیت گذشته خودنمایی نکنید و نماز را کامل و

وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

بی‌نقص به جای آورید و (از مال خود) انفاق کنید (چه واجب باشد و چه مستحب) و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید.

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ

(البته حساب شما معصومین جداست و) خدا می‌خواهد که هر گونه آلودگی را فقط از شما خاندان (عصمت و

وَيُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا ﴿۳۳﴾ وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ

طهارت) بزداید و شما را کاملاً پاک و مطهر کند. ۳۳ و (اما شما ای زنان پیامبر) آنچه در خانه‌هایتان

مِنَ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ﴿۳۴﴾

خوانده می‌شود، یعنی آیات خدا و حکمت را به یاد داشته باشید. خداوند همواره باریک‌بین و آگاه است. ۳۴

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

خداوند برای مردان و زنان مسلمان، مردان و زنان باایمان،

وَالْقَنَاتِ وَالْقَنَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ

مردان و زنان فرمان‌بردار، مردان و زنان راستگو،

وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ

مردان و زنان صبور، مردان و زنان فروتن و فرمان‌بردار،

وَالْمُتَّصِدِّقِينَ وَالْمُتَّصِدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ

مردان و زنان صدقه‌دهنده، مردان و زنان روزه‌دار،

وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ

مردان و زنان پاک‌دامن، و مردان و زنانی که خدا را بسیار

كثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿۳۵﴾

یاد می‌کنند، آمرزش و پاداشی بزرگ آماده کرده است. ۳۵

۳۳. آیه‌ی تطهیر در شأن اصحاب کساء: آن روز پیامبر ﷺ در خانه‌ی «أُمِّ سَلَمَه» - که یکی از همسران محترم و نیکوکار او بود - تشریف داشت که مهمان عزیزی وارد خانه شد؛ کسی که پیامبر ﷺ در برابر او می‌ایستاد و از روی محبت به دستانش بوسه می‌زد. آری، دختر محبوب رسول خدا ﷺ نزد پدر آمده بود. پس از سلام و احوال‌پرسی، پیامبر ﷺ از حضرت فاطمه علیها السلام سراغ داماد گرامی‌اش امام علی علیه السلام و نوه‌های عزیزش امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را گرفت و از او خواست که آنان را نیز نزد او بیاورد. گویا پیامبر ﷺ مأمور بود با حضور آنان، مطلب مهمی را اعلام کند. پس از مدتی، حضرت فاطمه علیها السلام همراه همسر و دو پسر بزرگوارش نزد پیامبر ﷺ آمدند. سفره‌ای گسترده شد و با هم غذا خوردند. آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله پارچه‌ای را گشود و آن را بر خود و چهار نفر دیگر انداخت. در این هنگام، خدا آیه‌ی تطهیر را بر پیامبر خویش نازل کرد و خطاب به آن پنج نفر فرمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»؛ یعنی: «خدا می‌خواهد هر گونه آلودگی را از شما خاندان [معصوم و پاک] بزدايد و شما را به طور کامل پاک و مطهر فرماید.» آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله دستش را از زیر پارچه بیرون آورد و به سوی آسمان بلند کرد و به خدا عرضه داشت: «خدایا، اینان، خاندان و خویشان مخصوص من هستند؛ پس هر گونه پلیدی را از آنان بزداي و آنان را کاملاً پاک و مطهر فرما.»

ام‌سلمه که این ماجرای عجیب را دیده بود، سرش را وارد اتاقی کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل‌بیت علیهم السلام در آن تشریف داشتند و به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای پیامبر خدا، آیا من هم با شما [و مشمول این آیه] هستم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: تو زن خوبی هستی و موقعیت نیکویی داری؛ [ولی مشمول این آیه نیستی].

آیه‌ی تطهیر و ماجرای معروفی که در مورد نازل شدن آن از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده، یکی از مهم‌ترین دلایل عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله، امیر مؤمنان علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام است. بر اساس این آیه، خواست و اراده‌ی قطعی خدا بر این بوده که این پنج نفر از هر گونه گناه، خطا، شک و تردید و فساد و آلودگی دور باشند و در کمال پاکی و عصمت زندگی کنند. بر اساس روایات بی‌شماری که از اهل‌بیت علیهم السلام نقل شده، این ویژگی در مورد نه امام دیگر شیعیان که از نسل امام حسین علیه السلام هستند نیز صادق است. جز این چهارده نفر، هیچ‌یک از مسلمانان به این درجه از طهارت و عصمت دست نیافته و نخواهند یافت.

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ

هیچ مرد و زن باایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش کاری را واجب می‌کنند، اختیاری در کار خویش برای خود قائل باشد، و هر کس از

هُمُ الْخَيْرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ

خدا و پیامبرش نافرمانی کند، قطعاً دچار گمراهی آشکاری شده است. ۳۶ (زمانی را یاد کن) که به آن شخص که خدا به او نعمت (ایمان)

ضَلَّلاً مُبِينًا ﴿۳۶﴾ وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ

بخشیده بود و تو نیز به او نعمت (آزادی) داده بودی، گفتی: «همسرت را طلاق نده و خود را از (خشم) خدا حفظ کن.» و چیزی را در دلت

عَلَيْهِ أَمْسِكَ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا

پنهان می‌کردی که خدا آن را آشکار کرد و از (سرزنش) مردم می‌ترسیدی (که مبادا در ایمان دیگران تأثیر منفی بگذارد)؛ حال آن که خدا

اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ

سزاوارتر است به این که از او بترسی. پس هنگامی که زید به خواسته‌اش از او رسید (و دیگر به او احساس نیاز نمی‌کرد و طلاقش داد)، آن زن را

مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي

به از دواج تو در آوردیم تا مؤمنان در (از دواج یا) همسران (مطلقه‌ی) پسر خوانده‌هایشان، در صورتی که (پسر خوانده‌ها) به خواسته‌شان از

أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا

همسران‌شان رسیده باشند (و دیگر به آنان احساس نیاز نکنند و طلاق‌شان داده باشند)، دچار هیچ مشکلی نشوند. (آری) فرمان خدا همواره

﴿۳۷﴾ مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي

اجرا می‌شود. ۳۷ پیامبر در (استفاده از آنچه خدا برایش حلال کرده، هیچ گناهی ندارد. قطعاً خداوند (این حقیقت را) در مورد پیامبرانی که

الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا ﴿۳۸﴾ الَّذِينَ

پیش از این در گذشتند (نیز) سنت قرار داده است. (آری) همواره فرمان خدا کاملاً سنجیده (و مناسب با احوال مکلفین) است. ۳۸ (پیامبران،)

يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ

کسانی (هستند) که پیام‌های خدا را (به مردم) می‌رسانند و از او می‌ترسند و جز خدا از هیچ کسی نمی‌ترسند.

وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا ﴿۳۹﴾ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ

همین که خدا محاسبه‌گر باشد، کافی است. ۳۹ محمد، پدر هیچ‌یک از مردان شما نیست (تا از دواج با همسر پسرش

وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

بر او حرام باشد)؛ بلکه فرستاده‌ی خدا و پایان‌بخش (سلسله‌ی) پیامبران است. (آری) خدا همه چیز را به‌خوبی می‌داند.

﴿۴۰﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ﴿۴۱﴾ وَسَبِّحُوهُ

۴۰ ای مسلمانان، خدا را بسیار یاد کنید؛ ۴۱ و صبح و شام او را (از هر

بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿۴۲﴾ هُوَ الَّذِي يُصَلِّيْ عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ

عیب و نقصی) منزه شمارید. ۴۲ او کسی‌ست که به شما لطف و عنایت دارد، و فرشتگانش (نیز به شما لطف و

لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا ﴿۴۳﴾

عنایت دارند) تا شما را از تاریکی‌ها خارج کند و به نور برساند و همواره به مؤمنان مهربان است. ۴۳

۴۱ تا ۴۳. خدا را بسیار یاد کنید: بدون شک یکی از بزرگ‌ترین گم‌شده‌های انسان‌ها در هر عصر و زمان، «آرامش» بوده و هست. همه‌ی انسان‌ها در دنیای آرزوهای خویش، زندگی آرام و دور از پریشانی و اضطرابی را تصوّر می‌کنند و برای رسیدن به آن می‌کوشند. حتی اگر افکار جنایتکاران و ظالمان جهان را جزّاحی کنیم، به این واقعیت می‌رسیم که آنان برای رسیدن به آرامش، به ظلم و جنایت دست می‌زنند! حقیقت اما این است که جان انسان‌ها تنها با یک چیز آرام می‌شود، و آن، یاد خدای بی‌همتا و توجّه به آن منبع علم و قدرت است؛ چنان‌که خداوند در آیه‌ی ۲۸ سوره‌ی رعد می‌فرماید: «آگاه باشید که تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.» آری، انسان با توجّه به آن نیروی بی‌نهایت به یاد می‌آورد که سرپرستی مهربان دارد که او را برای هدف مهمّی آفریده و ابزار رسیدن به آن هدف را به او داده است؛ به یاد می‌آورد که سختی‌ها و مشکلات، بخشی از امتحان خداست که برای رسیدن به آن هدف باید از آن‌ها گذر کرد؛ به یاد می‌آورد که خدا به بندگان باایمان خود، وعده‌ی یاری داده و از این رو، عمر باارزش خویش را با اندوه و غم بی‌حاصل تلف نمی‌کند؛ بلکه با توکل به خدا و روحیه‌ی عالی، به آباد کردن دنیا و آخرت خود اهتمام می‌کند. همچنین به یاد می‌آورد که تنها راه رسیدن به سعادت، عبادت خدا و فرمان‌برداری از اوست و باید زمانی در پیشگاه عدالت الهی، پاسخ‌گوی تک‌تک کارهایش باشد؛ از این رو تمام نیروی خود را در فرمان‌برداری خدا و ترک نافرمانی او صرف می‌کند.

پیشوای ششم ما شیعیان نیز چه زیبا در این باره فرموده است: «دل، حرم خداست؛ پس در حرم خدا کسی غیر از او را ساکن مکن.» این آیه نیز به همه‌ی افراد باایمان فرمان می‌دهد که خدا را بسیار یاد کنند و پیوسته او را از بدی‌ها پاک بشمارند تا خدا نیز آنان را مشمول لطف و رحمت خویش کند و از تاریکی‌های جهل و غفلت خارج کرده، به نور علم و معرفت برساند. البته روشن است که منظور از یاد خدا، تنها ذکر زبانی نیست؛ بلکه توجّه به خدا با تمام وجود است که در زبان و عمل انسان آشکار می‌شود. از این رو در روایتی از پیامبر ﷺ، روشن‌ترین نمونه‌ی یاد خدا، توجّه به حلال و حرام الهی معرّفی شده است. همچنین در روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام، توجّه خالصانه به خدا و دور از هر گونه ریا و خودنمایی، یکی از شروط مهم یاد خدا ذکر شده است. از آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام استفاده می‌شود که خواندن نماز و قرآن و دعاها، و گفتن اذکار به‌ویژه تسبیحات حضرت زهرا علیها‌السلام پیش از خواب و پس از نماز، نمونه‌هایی از یاد خداست که باعث روشنی دل و به دست آوردن خشنودی و پاداش الهی می‌شود. در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام می‌خوانیم: «خانه‌ای که در آن قرآن خوانده می‌شود و یاد خدا در آن بسیار می‌شود، خیر و برکتش زیاد است و فرشتگان در آن حاضر و شیاطین از آن دور می‌شوند و برای آسمانیان می‌درخشد؛ همان‌طور که ستارگان برای ساکنان زمین می‌درخشند.»

تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ ۚ وَاعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا ﴿٤٤﴾ يَا أَيُّهَا

در روزی که با خدا ملاقات می‌کنند، درود (او بر) ایشان، سلام (و اعلام امنیتی کامل) است، و (خدا) برای آنان پاداش عالی آماده کرده است. ۴۴. ای پیامبر،

النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٤٥﴾ وَدَاعِيًا

ما تو را فرستادیم؛ در حالی که گواهِ (بر اعمال مردم) و بشارت دهنده و هشدار دهنده ی (آنان) و دعوت کننده ی (ایشان) به سوی خدا

إِلَى اللَّهِ بِآذِنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا ﴿٤٦﴾ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ

- با اجازه ی او - چراغی تابناک (برای مردم) هستی. ۴۵ و ۴۶ به مؤمنان بشارت ده که (علاوه بر پاداش اعمالشان،)

مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا ﴿٤٧﴾ وَلَا تُطِيعِ الْكٰفِرِينَ وَالمُنٰفِقِينَ

از جانب خدا تفضلی بزرگ خواهند داشت. ۴۷ و از کافران و منافقان اطاعت مکن و به آزار و اذیت آنان اعتنا

وَدَعِ اٰذْلَهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿٤٨﴾

نکن و بر خدا توکل کن. همین که کار (تو) به خداوند سپرده شود، کافی است. ۴۸

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ

ای مسلمانان، هنگامی که با زنان مؤمن ازدواج می‌کنید، آنگاه پیش از آمیزش با آنان، ایشان را

مِن قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ

طلاق می‌دهید، از جهت شما هیچ گونه عده‌ای بر عهده‌ی آنان نیست که حسابش را نگه دارید،

تَعْتَدُونَهَا فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَرَحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ﴿٤٩﴾ يَا أَيُّهَا

و (با هدیه‌ای شایسته) آنان را بپره‌مند کنید و به نیکویی رهاشان کنید. ۴۹ ای پیامبر،

النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ الَّتِي ءَاتَيْتَ أَجُورَهُنَّ وَمَا

ما (آن) همسران را که مهریه‌شان را پرداخته‌ای، برایت حلال کرده‌ایم، و (نیز) کنیزان را که خدا

مَلَكَتْ يَمِينَكَ مِمَّا آفَاءَ اللَّهِ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عِمِكَ وَبَنَاتِ

(از کافران به غنیمت گرفت و) در اختیار تو قرار داد، و دخترعموها و دخترعموها و دختردایی‌ها

عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالَكَ وَبَنَاتِ خَالَتِكَ الَّتِي هَاجَرْنَ

و دخترخاله‌هایت را که همراه تو هجرت کرده‌اند و (همچنین) زن مسلمانان را که بخواهد خودش را

مَعَكَ ۖ وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِن وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ

(بدون مهریه) به پیامبر ببخشد و پیامبر (نیز) خواستار (ازدواج با او باشد، بر تو حلال کردیم، البته این)

النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ

در حالی (ست) که (مورده آخر)، مخصوص توست، نه مسلمانان (دیگر). ما آنچه را که در پاره‌ی همسران

عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ

و کنیزان آنان، برایشان واجب کرده‌ایم، به‌خوبی می‌دانیم. (این احکام را مقرر کردیم) تا هیچ‌گونه مشکلی (برای

لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٥٠﴾

برقراری ارتباط با قبایل دیگر و ترویج دین الهی) نداشته باشی، (آری)، خداوند همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. ۵۰

۴۵ و ۴۶. چراغ فروزان: خداوند در این دو آیه پنج ویژگی را برای پیامبر گرامی خود برمی‌شمرد: ۱- گواه: طبق این آیات و آیات دیگری از قرآن، حضرت محمد ﷺ به خواست خدا از اعمال همه‌ی انسان‌ها خبر دارد و مانند شخصی که شاهد انجام کاری بوده، بر اعمال مردم گواه است. در آیه‌ی ۱۰۵ سوره‌ی توبه نیز می‌خوانیم: «بگو: هر کاری می‌خواهید، بکنید؛ ولی بدانید که قطعاً خدا، پیامبر و مؤمنان [در اینجا یعنی امامان معصوم علیهم‌السلام] کارهای شما را خواهند دید.» در حدیثی می‌خوانیم که امام صادق علیه‌السلام فرمود: «چرا پیامبر خدا را ناراحت می‌کنید؟» شخصی با تعجب عرض کرد: «چگونه ما او را ناراحت می‌کنیم؟!» امام فرمود: «مگر نمی‌دانید که کارهای شما به آن حضرت عرضه می‌شود، و هنگامی که گناهی را در میان آن‌ها می‌بیند، ناراحت می‌شود؟ پس پیامبر ﷺ را ناراحت نکنید و او را [با کارهای خوب] خوشحال کنید.» بر اساس روایات اهل بیت علیهم‌السلام، امامان معصوم علیهم‌السلام نیز مانند پیامبر ﷺ از کارهای ما آگاه هستند. ۲ و ۳- بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده: می‌دانیم هر انسانی تلاش می‌کند بیشترین سود را به دست آورد و خود را از هر نوع ضرر و زیانی حفظ کند.

بر این اساس، پیامبر اسلام ﷺ - مانند همه‌ی پیامبران - انسان‌ها را از یک سو به آینده‌ای درخشان - که با ایمان و نیکوکاری به دست می‌آید - بشارت می‌داد، و از سوی دیگر، از فرجامی تلخ - که با کفر و بی‌ایمانی و گناه به وجود می‌آید - هشدار می‌داد. در حقیقت، این دو وظیفه‌ی مهم پیامبر ﷺ دو بازوی قوی برای تربیت انسان‌هاست که پیوسته آنان را در مسیر رشد و کمال حرکت می‌دهد و از غرور بیجا یا نومیدی و یأس باز می‌دارد.

۴- دعوت‌کننده به سوی خدا: این ویژگی، مهم‌ترین صفت پیامبر ﷺ در میان صفات یادشده در این آیات است؛ چراکه بزرگ‌ترین مسأله برای همه‌ی انسان‌ها این بوده و هست که چگونه می‌توانند آفریدگار جهان را بشناسند، با او ارتباط برقرار کنند و خشنودی او را به دست آورند؛ سؤالی که هیچ انسانی به خودی خود نمی‌تواند بدان پاسخ دهد، و این، پروردگار جهان است که باید خود را به بندگانش معرفی کند. البته خداوند برخی از بندگانش را از طریق وحی با خود آشنا کرده و به آنان اجازه داده که مردم را با او آشنا کنند و به سوی او فرا خوانند. آنان، پیامبران او هستند، و حضرت محمد ﷺ آخرین و کامل‌ترین ایشان است. ۵- چراغی فروزان: بررسی وضعیت انسان‌ها در دوران پیش از بعثت و نگاهی به آداب و رسوم و عقاید پیروان ادیان و مذاهب کفرآمیز، به‌خوبی نشان می‌دهد که پیامبر ﷺ چه خدمت بزرگی به جامعه‌ی بشریت کرده است. شاید یکی از زیباترین توصیف‌ها برای آن انسان آسمانی، «چراغ فروزان» باشد. فضایی را تصور کنید که کاملاً تاریک و ظلمانی‌ست و هیچ کس از اطراف خود خبر ندارد و ترس و اضطراب و جهل و بی‌خبری بر آن حاکم است، و ناگهان چراغی فروزان در آن روشن می‌شود. آیا هدیه‌ای بهتر از آن می‌توان برای کسانی که در آن مکان حاضرند، تصور کرد؟ پیامبر ﷺ از سوی خدا مردم را با جهان هستی و آفریدگار دانا و توانای آن آشنا کرد. به آنان گفت که در چه مرحله‌ای قرار دارند و به کجا می‌روند و راه رسیدن به سعادت و خوشبختی کدام است. آری، او خورشید آسمان انسانیت است.

﴿ تَرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُمْ وَتُعْوَىٰ إِلَيْكَ مِنْ تَشَاءُ وَمَنْ

هر یک از آنان را که بخواهی، می‌توانی از خودت دور کنی، و هر یک را که بخواهی، می‌توانی در کنار خویش
ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقَرَّ

جای دهی، و اگر از کسانی که کناره گرفته بودی، برخی را (دوباره) بطلبی، گناهی نکرده‌ای. این (حکم)
أَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَنَّ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ وَاللَّهُ

برای این که چشمان‌شان روشن شود و اندوه نخورند و همگی به آنچه به ایشان داده‌ای، راضی شوند،

يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا ﴿۵۱﴾ لَا يَجِلُّ

زدیک‌تر است. خدا می‌داند در دل‌هایتان چه می‌گذرد و همواره خدا بسیار دانا و بردبار است. ۵۱. از این پس،

لَكَ الْنِسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ

(از دواج با) زنان (دیگر)، برایت حلال نیست و جایز نیست که همسرانی (دیگر) را جایگزین همسران

أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ

کنونی ات کنی؛ هر چند حُسن و جمال آنان، تو را به شگفتی آورد. ولی کنیزانت حلال هستند. خداوند همواره مراقب

شَيْءٍ رَقِيبًا ﴿۵۲﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ

و نگهبان همه چیز است. ۵۲. ای مسلمانان، جز در حالی که برای (میل کردن) غذایی دعوت شده‌اید و

إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرَ نَظِيرِ بْنِ إِنَّهُ وَلَكِنْ

(برای ورود) به شما اجازه داده شده، وارد خانه‌های پیامبر نشوید؛ (البته باز هم) بدون این که (پیش از موعد

إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَعْسِنِينَ

حاضر شوید و منتظر پخته شدن و رسیدن غذا بمانید؛ بلکه همان زمان که دعوت شده‌اید، وارد شوید، و

لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِيهِ مِنْكُمْ وَاللَّهُ

هنگامی که غذا خوردید، پراکنده شوید؛ نه این که (پس از غذا) سرگرم صحبتی شوید؛ که این (رفتار)، پیامبر را

لَا يَسْتَحْيِيهِ مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ

آزار می‌دهد. (او می‌خواهد به کارهای خود مشغول شود) و از شما خجالت می‌کشد (که این خواسته را به زبان

مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ ﴿۵۳﴾

بیاورد)؛ و خدا از (گفتن) حق شرم نمی‌کند. و هنگامی که چیزی از همسران پیامبر می‌خواهید، از پشت

وَمَا كَانَتْ لَكُمْ أَنْ تُوْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ

پرده از آنان بخواهید. این برای دل‌های شما و دل‌های آنان، پاکیزه‌تر است. و شما حق ندارید پیامبر را بیازارید

مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا ﴿۵۴﴾

و هرگز حق ندارید پس از او با همسرانش ازدواج کنید. این کار نزد خدا (گناهی) بزرگ است. ۵۴. اگر

تُبَدُّوا شَيْئًا أَوْ تُخَفَّوْهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَتْ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿۵۵﴾

چیزی را آشکار یا آن را پنهان کنید، (در هر حال)، خدا همواره همه چیز را به خوبی می‌داند. ۵۵

۵۳. دو نکته‌ی مهم تربیتی: این آیه شامل چند دستور مهم اخلاقی و تربیتی‌ست که در اینجا به دو دستور اشاره می‌شود: ۱- جز با اجازه‌ی پیامبر ﷺ به خانه‌های او وارد نشوید: هرچند دستور این آیه در مورد خانه‌های پیامبر ﷺ است، بی‌شک به آن حضرت اختصاص ندارد و هیچ کس در هیچ موردی نباید بدون اجازه وارد خانه‌ی کسی شود. گرفتن اجازه حتی برای ورود به خانه‌ی خویشاوندان نزدیک نیز لازم است؛ چنان‌که در حالات پیامبر ﷺ می‌خوانیم که وقتی می‌خواست وارد خانه‌ی دخترش فاطمه ع شود، بیرون در می‌ایستاد و اجازه می‌گرفت. خوب است بدانیم که در آموزه‌های دینی، حرم پیامبر ﷺ و امامان معصوم ع نیز از خانه‌های پیامبر ﷺ شمرده شده و خوب است پیش از ورود به آن‌ها، «اذن دخول» (اجازه‌ی وارد شدن) بخوانیم. ۲- شما حق آزار و اذیت پیامبر ﷺ را ندارید: آزار و اذیت مردم در هر شکلی حرام و ممنوع است؛ ولی گناه آن در مورد پیامبر ﷺ بسیار بیشتر و کيفرش بسیار شدیدتر است؛ چنان‌که در آیه‌ی ۵۷ همین سوره می‌خوانیم: «کسانی که خدا و پیامبرش را آزار می‌دهند، خدا در دنیا و آخرت آنان را لعنت می‌کند و برایشان عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده است.» در روایات فراوانی می‌خوانیم که پیامبر ﷺ آزار و اذیت اهل‌بیت خود را آزار و اذیت خود برشمرده است. در روایات فراوانی که شیعه و سنی از پیامبر ﷺ نقل کرده‌اند، می‌خوانیم که هر کس حضرت علی ع و حضرت فاطمه ع را بیازارد، در حقیقت پیامبر ﷺ را آزرده است.

لَا جُنَاحَ عَلَيْهِمْ فِي آبَائِهِمْ وَلَا أَبْنَائِهِمْ وَلَا إِخْوَانِهِمْ

گناهی بر زنان (پیامبر) در مورد (ترك حجاب در برابر) پدران، پسران، برادران، پسران

وَلَا أَبْنَاءَ إِخْوَانِهِمْ وَلَا أَبْنَاءَ أَخَوَاتِهِمْ وَلَا نِسَائِهِمْ وَلَا مَا

برادر، پسران خواهر، زنان (هم‌کیش) و بردگان شآن نیست، و (ای زنان پیامبر،)

مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ وَاتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

خود را از (خشم) خدا حفظ کنید؛ که خدا همواره بر همه چیز

شَهِيدًا ﴿٥٥﴾ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا

گواه است. ۵۵ خدا و فرشتگانش، بر پیامبر درود می‌فرستند؛ ای مسلمانان،

الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٥٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ

(شما هم) بر او درود فرستید و کاملاً تسلیم (فرمان او) شوید. ۵۶ خداوند،

يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ

کسانی را که او و پیامبرش را می‌آزرنند، در دنیا و آخرت لعنت می‌کند و برایشان عذابی

عَذَابًا مُّهِينًا ﴿٥٧﴾ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

خوارکننده آماده کرده است. ۵۷ و کسانی که مردان و زنان مؤمن را به سبب کاری که

بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴿٥٨﴾

نکرده‌اند، می‌آزرنند، قطعاً (بار) تهمت (ناروا) و گناهی آشکار را بر دوش کشیده‌اند. ۵۸

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ

ای پیامبر، به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: روسری‌های بلند خود را بر خویش بیفکنند.

يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنَ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ

این (کار) برای این که (به عفت و وقار) شناخته شوند و مورد آزار (افراد هرزه) قرار نگیرند،

فَلَا يُؤْذِينَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٥٩﴾ لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ

مناسب‌تر است. همواره خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. ۵۹ اگر منافقان و کسانی که

الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي

در دل‌هایشان بیماری است و شایعه‌پراکنان در مدینه، (از کل‌هایشان) دست برندارند،

الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا

قطعاً تو را برضد آنان بر می‌انگیزیم. آنگاه فقط مدت کوتاهی در کنار تو (زنده) خواهند ماند؛

﴿٦٠﴾ مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقِفُوا أَخَذُوا وَقَتَلُوا تَقْتِيلًا ﴿٦١﴾ سُنَّةَ

۶۰ در حالی که لعنت شده‌اند، هر جا یافته شوند، دستگیر و به شدت کشته خواهند شد. ۶۱ قطعاً خداوند (این حکم را)

اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ ۗ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ﴿٦٢﴾

در مورد کسانی که پیش از این درگذشتند (نیز) سنت قرار داده است، و هیچ تغییری برای سنت خدا نخواهی یافت. ۶۲

۱
﴿٦٠﴾

۵۶. صلوات: بر اساس روایات، پیامبر اسلام ﷺ برترین و نزدیکترین مخلوقات به خدای بزرگ بوده و هست. در حدیثی از امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌خوانیم: «خدا هیچ کسی را برتر از محمد ﷺ پدید نیاورده است.» خداوند در این آیه اعلام می‌کند که او و تمام فرشتگانش که به فرمان او به تدبیر و اداره‌ی جهان مشغول‌اند، بر پیامبر ﷺ درود می‌فرستند. از این رو فرمان می‌هد که مردم باایمان نیز با این پیام جهان هستی هم‌صدا شوند و بر آن انسان کامل درود فرستند. بر اساس روایات اهل‌بیت علیهم السلام، یکی از برترین و بافضیلت‌ترین اذکار، صلوات بر پیامبر ﷺ است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «هنگامی که از پیامبر ﷺ نام برده می‌شود، بر او بسیار درود بفرستید؛ زیرا هر کس بر پیامبر ﷺ یک درود بفرستد، خدا در هزار صف از فرشتگان، هزار درود بر آن شخص می‌فرستد، و هیچ چیزی از مخلوقات خدا باقی نمی‌ماند مگر این که به خاطر درود خدا و فرشتگان او بر آن بنده، بر او درود می‌فرستد.» البته در احادیث فراوانی که از پیامبر ﷺ نقل شده، تأکید شده است که درود بر پیامبر ﷺ حتماً با درود بر خاندان معصوم او همراه باشد؛ در غیر این صورت، آن صلوات، ناقص شمرده می‌شود. در حدیثی می‌خوانیم که پیامبر ﷺ فرمود: بر من صلوات ناقص نفرستید. حاضران عرض کردند: صلوات ناقص چیست؟ فرمود: این که فقط بگویید «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ» و دیگر ادامه ندهید؛ بلکه بگویید «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ». به هر حال، در باره‌ی پاداش صلوات، احادیث فراوانی نقل شده که ارزش و اهمیتی آن را نشان می‌دهد. از جمله در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «در روز قیامت [هیچ عملی در ترازوی اعمال، سنگین‌تر از صلوات بر محمد و آل محمد نیست. در قیامت] کارهای شخصی را در ترازوی اعمال می‌گذارند و [کفه‌ی ترازوی] آن اعمال (به سبب بی‌ارزشی و سبکی) بالا می‌رود. در این هنگام (پیامبر ﷺ) صلوات‌های آن شخص را خارج می‌کند و در ترازوی اعمالش می‌گذارد و آن سنگین می‌شود و پایین می‌آید.» در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: هر کس به درگاه خدا حاجتی دارد، [دعای خود را] با صلوات بر محمد و آل محمد شروع کند؛ آنگاه حاجتش را بخواهد، و پس از آن [دعایش را] با صلوات بر محمد و آل محمد تمام کند؛ زیرا خدا بزرگوarter از آن است که دو طرف دعا را بپذیرد و وسط آن را رها کند؛ چرا که صلوات بر محمد و آل محمد [از استجابت خدا] پوشیده نمی‌ماند [و دعایی‌ست که بی‌شک مستجاب می‌شود].

يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ

مردم در براهی (زمان برپایی) قیامت از تو می‌پرسند. بگو: آگاهی از آن فقط نزد خداست. تو چه می‌دانی؟

لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا ﴿٦٣﴾ إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكٰفِرِينَ وَآعَدَّ

شاید قیامت نزدیک باشد! خداوند، کافران را از رحمت خویش دور ساخته و آتشی شعله‌ور برایشان

لَهُمْ سَعِيرًا ﴿٦٤﴾ خٰلِدِينَ فِيهَا اَبَدًا لَا يَجِدُونَ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

آماده کرده است؛ ۶۴ که همیشه در آن خواهند ماند (و هیچ سرپرست و یاورى نخواهند یافت؛

﴿٦٥﴾ يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يٰلَيْتَنَا اطعنا الله

۶۵ روزی که صورت‌هایشان در آتش زیر و رو می‌شود؛ در حالی که می‌گویند: «ای کاش از خدا

وَاطعنا الرسولا ﴿٦٦﴾ وَقَالُوا رَبَّنَا اِنَّا اطعنا ساداتنا و كبراءنا

و پیامبر اطاعت کرده بودیم.» ۶۶ می‌گویند: «پروردگارا، ما از سران و بزرگ‌ترهایمان اطاعت کردیم، و

فَاضَلُّونَا السَّبِيْلًا ﴿٦٧﴾ رَبَّنَا اءاتهم ضعفين من العذاب

بدین ترتیب، آنان ما را گمراه کردند؛ ۶۷ پروردگارا، به آنان چندین برابر از عذاب بده و آنان را از

و العنهم لعنا كبيرا ﴿٦٨﴾ يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءامَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِيْنَ

رحمت خود بسیار دور کن.» ۶۸ ای مسلمانان، مانند کسانی نباشید که موسی را آزار دادند،

ءادوا موسى فبراهه الله مما قالوا و كان عند الله و جيهًا

آنگاه خدا او را از سخن (زشت) آنان، پاک و مبرا کرد؛ و او نزد خدا آبرومند بود.

﴿٦٩﴾ يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءامَنُوا اتَّقُوا الله و قولوا قولًا سديدًا ﴿٧٠﴾

۶۹ ای مسلمانان، خود را از (خشم) خدا حفظ کنید و سخنی درست و سنجیده بگویید؛ ۷۰

يُصْلِحْ لَكُمْ اعمالكم و يغفر لكم ذنوبكم و من يطع الله

تا (خدا) کل‌هایتان را اصلاح کند و گناهان‌تان را ببامزد. (آری)، هر کس از خدا و پیامبرش اطاعت کند،

و رسوله فقد فاز فوزًا عظيمًا ﴿٧١﴾ اِنَّا عَرَضْنَا الامانة على

قطعاً نجات پیدا کرده و به پیروزی بزرگی دست یافته است. ۷۱ ما آن امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها

السَّمٰوٰتِ و الارضِ و الجبالِ فابین ان يحملنها و اشفقن منها

عرضه کردیم. پس (آن‌ها، توان به دوش کشیدن آن را نداشتند و) از به عهده گرفتن آن سر باز زدند و از (پذیرش) آن

و حملها الانسان انه كان ظلومًا جهولًا ﴿٧٢﴾ ليعذب الله

ترسیدند؛ آن (بار) را به دوش کشید. او همواره بسیار ستم‌کار و نادان است. ۷۲ فرجام (به دوش کشیدن

المُنٰفِقِيْنَ و المُنٰفِقٰتِ و المشرکيْنَ و المشرکاتِ و يتوب

آن امانت) این خواهد شد که خدا، مردان و زنان منافق، و مردان و زنان مشرک را عذاب می‌کند و به

الله على المؤمنيْنَ و المؤمناتِ و كان الله عفوًّا رحيمًا ﴿٧٣﴾

زنان و مردان مؤمن، لطف و عنایت می‌کند. همواره خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است. ۷۳

۷۰ و ۷۱. ای مؤمنان، درست و سنجیده سخن بگویند: دانشمندان علم اخلاق می‌گویند که زبان، پربرکت‌ترین عضو بدن و مؤثرترین وسیله اطاعت و هدایت و اصلاح انسان است. انسان با زبان به یگانگی خدا و نبوت پیامبر ﷺ و حقایق دین اقرار می‌کند و مسلمان شناخته می‌شود؛ با زبان خود، نام مبارک خدا و اذکار نماز و ادعیه و اذکار دیگر را می‌گوید؛ و با آن، علوم و معارف گوناگون را به دیگران می‌آموزد و از دیگران یاد می‌گیرد. همین عضو کوچک و پربرکت اما می‌تواند خطرناک‌ترین، دردسرسازترین و پرگناه‌ترین عضو بدن محسوب شود و خود انسان و دیگران را به مشکلات و مصایب بسیار دچار کند. دروغ، سخن‌چینی، چاپلوسی، غیبت، تهمت، بدزبانی، آزار دیگران با سخنان زشت، کفران نعمت و ... نمونه‌هایی از گناهان بزرگ زبان محسوب می‌شوند. این دو آیه به افراد باایمان فرمان می‌دهد که تقوای الهی پیشه کنند و زبان خود را از سخنان نادرست نگه دارند و سنجیده سخن بگویند تا خدا کارهایشان را اصلاح کند و گناهانشان را ببخشد.

در حقیقت، تقوا، باعث اصلاح زبان می‌شود، و اصلاح گفتار، به اصلاح رفتار انسان می‌انجامد، و اصلاح رفتار انسان، مایه‌ی جبران گذشته‌ی او می‌شود. در حدیثی از پیامبر ﷺ می‌خوانیم: «ایمان هیچ بنده‌ای درست نمی‌شود مگر این‌که قلبش درست شود، و قلب هیچ‌کس درست نمی‌شود مگر این‌که زبانش درست شود.» در روایتی آموزنده از امام سجاد ع آمده است: «زبان هر انسانی هر روز صبح از اعضای دیگر احوال‌پرسی می‌کند و می‌گوید: چگونه صبح کردید؟ همه‌ی آنان در پاسخ این اظهار محبت زبان می‌گویند: حال ما خوب است؛ اگر تو بگذاری!» سپس اضافه می‌کنند: «تو را به خدا سوگند، حال ما را رعایت بکن که بیشتر پاداش و کیفر ما به واسطه‌ی توست.» بی‌جهت نیست که در روایات می‌خوانیم: «هرگز پیامبر ﷺ بر منبرش نشست مگر این‌که این آیه را تلاوت فرمود: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا [ای مؤمنان، تقوای الهی پیشه کنید و درست و سنجیده سخن بگویند].»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ

سپاس و ستایش برای خداست؛ همو که آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، فقط برای اوست، و در

الْحَمْدُ فِي الْأَخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿١﴾ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ

آخرت (نیز) سپاس و ستایش، ویژه‌ی اوست، و فقط او حکیم و آگاه است. ۱ (خدا) از آنچه در زمین فرو

فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ

می‌رود و آنچه از آن بیرون می‌آید و آنچه از آسمان فرود می‌آید و آنچه در آسمان بالا می‌رود، آگاه است، و

فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ﴿٢﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا

فقط او مهربان و بسیار آمرزنده است. ۲ کافران گفتند: «قیامت سراغ ما نخواهد آمد،»

السَّاعَةَ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عِلْمُ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ

بگو: چرا! سوگند به پروردگرم - (همو) که از غیب آگاه است - بی‌گمان سراغ‌تان خواهد آمد.

مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ

نه در آسمان‌ها و نه در زمین، به اندازه‌ی ذره‌ای از او پنهان نیست، و (چیزی) کوچک‌تر یا بزرگ‌تر از

ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿٣﴾ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ

این (وجود ندارد)، مگر این که در نوشته‌ای آشکار (ثبت شده) است؛ ۳ تا به کسانی که ایمان

ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ

آوردند و کلهای شایسته کردند، پاداش دهد. آنان، آمرزشی (بزرگ) و رزق و روزی‌ای

كَرِيمٌ ﴿٤﴾ وَالَّذِينَ سَعَوْا عَلَيْنَا مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ

عالی دارند. ۴ و کسانی که در (رد) آیات و نشانه‌های ما می‌کوشند، در حالی که به خیال خود

لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رَجْزِ أَلِيمٍ ﴿٥﴾ وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ

می‌خواهند (ما را) عاجز کنند، آنان عذابی دردناک خواهند داشت؛ عذابی بسیار سخت. ۵ کسانی که به آنان علم

الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ

داده شده، می‌دانند که قطعاً آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده، حق است و به راه (خدا)ی

الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٦﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَى رَجُلٍ

شکست‌ناپذیر و شایسته‌ی ستایش هدایت می‌کند. ۶ کافران گفتند: «آیا مردی را به شما نشان دهیم که به شما

يُنَبِّئُكُمْ إِذَا مُزِقْتُمْ كُلٌّ مُمْزَقٌ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿٧﴾

خبر می‌دهد که چون کاملاً متلاشی شدید، قطعاً (دوباره) گر آفرینشی جدید، (ظاهر) خواهید شد؟؛ ۷

۱ تا ۳. چیزی در آسمان‌ها و زمین از او پنهان نیست: یکی از لطف‌های بزرگ خدا بر ما انسان‌ها این است که او خود را با کتاب‌های آسمانی و پیامبرانش برای ما معرفی کرده است. به‌راستی اگر این لطف نبود، ما از آفریدگار خود شناخت درستی نداشتیم. خداوند در این آیات، خویشتن را شناسانده و گوشه‌ای از صفات و ویژگی‌های خود را توضیح داده است. ویژگی‌هایی که این آیات برای خدا برمی‌شمرد، به سه بخش تقسیم می‌شود:

۱- مالکیت مطلق خدا: آیه ۱ می‌فرماید که آنچه در آسمان‌ها و زمین است، برای خداست. خدا در آیات فراوانی به این واقعیت مهم اشاره و تأکید کرده که مالک حقیقی همه چیز، تنها خود اوست.

در واقع هیچ‌کس و هیچ‌چیزی در این جهان، به خودی خود صاحب چیزی نیست و مالکیت انسان‌ها و جانداران دیگر، مالکیتی موقت و گذراست که پس از مدتی به پایان می‌رسد. آری، تک‌تک سلول‌ها، رگ‌ها، اعصاب، اعضا و جوارح، و هر چه ما داریم، برای خداست و ما بخشی از دارایی او هستیم که به خواست و اراده‌ی او، صاحب اختیار، ثروت، قدرت، زیبایی، سخنوری و چیزهای دیگر شده‌ایم، و همه‌ی این نعمت‌ها پس از مدتی از ما گرفته خواهد شد. ۲- مهربانی خدا: آیه ۲، خدا را با دو صفت «رحیم» و «غفور» معرفی کرده است. رحیم به معنای شخص بسیار مهربان است که مهربانی‌اش دائمی است، و غفور به معنای بسیار آمرزنده و باگذشت است. توجه به لطف و مهربانی بی‌پایان خدا، سراسر وجود انسان را سرشار از خوشحالی و شمع می‌کند؛ چراکه انسان احساس می‌کند پروردگاری دارد که در عین اقتدار و قدرت، بسیار مهربان و با محبت است و او را بیش از هر کس دیگر دوست دارد. ۳- علم بی‌پایان خدا: شاید بتوان گفت که بیشترین تأکید این آیات، بر علم و آگاهی خداست. آیه ۱، او را «خبیر» (آگاه) برمی‌شمرد. آیه ۲ می‌فرماید که او از هر چه که در زمین فرو می‌رود و هر چه از آن بیرون می‌آید و از هر چه از آسمان فرود می‌آید و هر چه در آن بالا می‌رود، خبر دارد. آیه ۳ نیز می‌فرماید که هیچ‌چیزی - حتی به سنگینی ذرات معلق در هوا - در سراسر آسمان‌ها و زمین، از علم او پنهان نیست و او از همه چیز در قلمرو فرمان‌روایی خود - یعنی سراسر جهان هستی - آگاهی کامل دارد. آری، او از تک‌تک قطرات باران که به زمین می‌ریزد و دانه‌های گیاهان که در آن فرو می‌رود و گیاهانی که از زمین سر برمی‌آورند، آگاه است؛ او خبر دارد که چه امواجی از آسمان به زمین می‌رسد و چه فرشتگانی به فرمان او برای مأموریت‌های گوناگون به زمین نازل می‌شوند و چه مقدار بخار آب و گاز از زمین متصاعد می‌شود؛ او از دعا‌های بندگانش که از زمین به آسمان می‌رود، باخبر است و نیازهای تک‌تک ایشان را می‌داند. به فرموده‌ی خودش، ﴿وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ﴾؛ یعنی «هیچ تر و خشکی [در جهان] وجود ندارد مگر این که در نوشته‌ای آشکار [و در علم و دانش بی‌پایان خدا] ثبت شده است.»

أَفْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

آیا بر خدا دروغ بسته است یا نوعی جنون دارد؟» (این طور نیست!) بلکه کسانی که به آخرت ایمان ندارند، در

بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ ﴿۸﴾ أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ

عذاب و گمراهی دور و درازی به سر می‌برند. ۸. آیا به آنچه پیش رو و پشت سرشان (در هر

أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِن شَاءَ مُخْسِفٌ

طرف) وجود دارد، یعنی (به) آسمان و زمین، نگاه نمی‌کنند؟ اگر بخواهیم، آنان را در زمین فرو می‌بریم، یا

بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطُ عَلَيْهِمْ كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ إِن فِي ذَلِكَ

پاره‌هایی از (اجرام) آسمان را بر آنان فرود می‌آوریم. قطعاً در این (سخن) برای هر بنده‌ای که (به درگاه ز

لَايَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ ﴿۹﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا

(خدا) بزمی کرده، نشانه‌هایی وجود دارد. ۹. به‌راستی از جانب خود، لطف و عنایتی (بزرگ) به داوود دادیم (و گفتیم):

يَجِبَالُ أَوْبَىٰ مَعَهُ وَالطَّيْرُ وَالنَّالَةُ الْحَدِيدِ ﴿۱۰﴾ إِنِ اعْمَلْ

«ای کوه‌ها و ای پرندگان، (در تسبیح و نیایش) با او هم‌آواز شوید»، و آهن را برایش نرم کردیم. ۱۰. (گفتیم): «زره‌های

سَلِغَتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ

کامل و فراخ بساز. و در بافتن (حلقه‌های) آن، (دقیق) اندازه‌گیری کن. و (برای به جا آوردن شکر نعمت‌های من،) ز

بَصِيرَةٌ ﴿۱۱﴾ وَلَسْلِمُنَ الرَّيْحِ غُدُوها شَهْرٌ وَرَوْحُها شَهْرٌ

کارهای شایسته کنید؛ زیرا من به کل‌هائتان بینا هستم. ۱۱. و برای سلیمان، باد را (مسخر کردیم)؛ به طوری که (سیر)

وَأَسْلَنَا لَهُ عَيْنَ الْقَطْرِ وَمِنَ الْجَنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ

صیحگاهش، (به اندازه‌ی سیر) یک ماه (حرکت معمول)، و (مسیر) شبانگاهی‌اش، یک ماه بود. و (معدن مس را به صورت مذاب در

رَبِّهِ وَمَنْ يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿۱۲﴾

اختیارش گذاشته بودیم؛ به طوری که گویی) برایش چشمه‌ی مس روان کرده بودیم، و برخی از جنیان، به فرمان پروردگارش، پیش روی او

يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَتَمَائِيلٍ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ

کار می‌کردند، و هر یک از آن‌ها که از فرمان ما سرپیچی می‌کرد، از عذاب آتش شعله‌ور به او می‌پشاندیم. ۱۲. هر چه می‌خواست،

وَقُدُورٍ رَاسِيَتٍ اعْمَلُوا عَالَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِي

برایش می‌ساختند؛ ساختمان‌های بلند و محکم، مجسمه‌ها، دیس‌های بزرگ غذا (که در بزرگی، همچون حوضچه‌های آب (بودند)) و

الشُّكُورِ ﴿۱۳﴾ فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ

دیگ‌های ثابت، ای خاندان داوود، از سر شکر و سپاسگزاری، (برای خدا) عمل کنید؛ که اندکی از بندگان من شکر کردند. ۱۳. پس هنگامی

إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَاتِهِ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ

که مرگ را بر او مقرر کردیم، فقط جنبنده (ای از زمین) - که عصایش را می‌خورد - جنیان را از مرگ او آگاه کرد؛ پس (همین‌طور

أَن لَّو كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿۱۴﴾

ایستاده بود، و) هنگامی که افتاد، جنیان دریافتند که اگر از غیب آگاه بودند، (مدت‌ها) در عذابی خوارکننده نمی‌ماندند.

۱۰ تا ۱۴. سه نکته‌ی مهم از سرگذشت عجیب داود و سلیمان علیهم‌السلام: این آیات به گوشه‌ای از زندگی حضرت داود علیه‌السلام و فرزند گرامی‌اش حضرت سلیمان علیه‌السلام اشاره می‌کنند. در اینجا به سه نکته‌ی مهم از نکات این آیات اشاره می‌شود: ۱- این آیات به اتفاقاتی عجیب و باورنکردنی در مورد این دو پیامبر اشاره می‌کند. هم‌آواز شدن کوه‌ها و پرندگان با تسبیح و مناجات داود علیه‌السلام نرم شدن فولاد سخت در دستان او برای ساختن زره‌های جنگی، مسخّر شدن باد برای سلیمان علیه‌السلام و حرکت دادن او در یک نیم‌روز به اندازه‌ی مسافت حرکت در یک ماه، روان شدن خارق‌العاده‌ی چشمه‌ای از مس و گذاشتن این فلز ارزشمند در اختیار سلیمان علیه‌السلام به تسخیر سلیمان علیه‌السلام در آوردن گروه بزرگی از جنیان برای انواع خدمات مانند ساختن معبدها و مجسمه‌ها و ظرف‌های بسیار بزرگ غذا و دیگ‌های عظیم و ثابت، همه و همه، اموری‌ست که با قوانین جاری و طبیعی جهان که اساس علوم مشهور مانند فیزیک و شیمی هستند، موافق نیست؛ ولی همان خدایی که این قوانین را بنا کرده، گاهی برای نشان دادن قدرت خود، آن‌ها را تغییر می‌دهد و از حالت عادی خارج می‌کند. بنابراین نمی‌توان به تمام اتفاقات جهان با عینک مادی نگاه کرد؛ بلکه باید بپذیریم که ما از بسیاری از حقایق جهان بی‌خبریم، و به فرموده‌ی آیه‌ی ۸۵ سوره‌ی اسراء، تنها از بخش بسیار بسیار اندکی از حقایق جهان اطلاع داریم. ۲- نمایش این اتفاقات خارق‌العاده به دست دو انسان برگزیده‌ی خدا، نشانگر این حقیقت است که خداوند می‌تواند به برخی از بندگان خویش، توانایی دخل و تصرف در قوانین طبیعی جهان را بدهد و اجازه دهد که آنان کارهای خارق‌العاده‌ای انجام دهند.

بنابراین دور از ذهن نیست که خدا به افرادی مانند چهارده معصوم علیهم‌السلام نیز چنین توانایی‌هایی داده باشد. ما بر اساس روایات بسیاری که از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خاندان ایشان به ما رسیده، معتقدیم - و به تجربه نیز ثابت شده - که آنان می‌توانند با اجازه‌ی خدا در زمان زندگی خود و حتی پس از آن، حاجات مردم را برآورند و بیماری‌هایشان را شفا بخشند. از این رو به ایشان توسّل می‌کنیم و از آنان می‌خواهیم که حاجات و مشکلات ما را سامان دهند. ۳- از آیه‌ی ۱۴ فهمیده می‌شود که سلیمان علیه‌السلام در حالی که بر عصای خویش تکیه زده بود، جان داد و مدّتی در همان حال باقی ماند. در روایات آمده است که فرشته‌ی مرگ به شکل جوانی زیبارو نزد او آمد و بی آن‌که به او مهلت نشستن یا خوابیدن دهد، جانش را گرفت. آری. این ماجرا به همگان فهماند که هر کس با هر مقام و در هر قدرتی باشد، سرانجام در کمال ناتوانی به چنگال مرگ خواهد افتاد و قدرت و شکوهش نمی‌تواند هیچ کمکی به او بکند. امیر مؤمنان علی علیه‌السلام چه زیبا فرموده است: «اگر کسی در این جهان می‌توانست نردبانی به عالم بقا یابد یا مرگ را از خود دور کند، آن کس سلیمان پسر داود بود که حکومت بر جنیان و انسان‌ها همراه نبوت در اختیارش بود [اما او نیز طعم مرگ را چشید].»

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ

به راستی برای مردم سبأ در مورد محل سکونت شان نشانه‌ای وجود داشت؛ دو باغ که در طرف راست و چپ (آنان) بود. (به آنان

وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ

گفتیم: «از روزی پروردگارتان بخورید و شکر خدا را به جای آورید. (اینجا) شهری پاک. و (پروردگارتان، پروردگاری بسیار

وَرَبُّ غَفُورٌ ﴿١٥﴾ فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ

آمرزنده (است).» ۱۵ پس از آن (همه نعمت، از شکرگزاری) روی گردان شدند. در نتیجه، ما آب فراوان آن سد را (سایل آسا)

بِمَجْتَنِيهِمْ جَنَّاتٍ ذَوَاتِ أَكْمَلٍ خَمَطٍ وَاتْلٍ وَشَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ

به سوی آنان فرستادیم و بر ایشان مسلط کردیم. و دو باغ را که میوه‌های تلخ و درختان گز و اندکی درخت سدر داشت، جایگزین

قَلِيلٍ ﴿١٦﴾ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجْزِي إِلَّا

دو باغ (پر محصول) آنان کردیم. ۱۶ این کیفر را به سزای ناسپاسی شان به آنان دادیم. آیا جز افراد بسیار ناسپاس (کسی) را

الْكَافِرِ ﴿١٧﴾ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا

مجازات می‌کنیم؟ ۱۷ میان آنان و شهرهایی که در آن‌ها خیر و برکت ایجاد کرده بودیم. (یعنی شهرهای شامات که مرتب برای سفر به آنجا

قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِيٍّ وَآيَامًا

می‌رفتند، شهرهایی (ز نزدیک به هم که از حریم هر شهر تا شهر بعدی) پیدا (بود)، قرار دادیم و سیر و سفر در میان شهرها را متناسب (و با فاصله‌ی

ءَامِنِينَ ﴿١٨﴾ فَقَالُوا رَبَّنَا بَعْدَ بَيْنِ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ

یکسان) مقرر کردیم (و به آنان گفتیم: «شب و روز، با امنیت (کامل) در بین آن‌ها سفر کنید.» ۱۸ آنگاه (از روی سر مستی) گفتند: «پروردگارا، بین

فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ

(ایستگاه‌های ما در) سفرهایمان فاصله انداز (و سفرهای ما را زیاد کن)، و به خودشان ستم کردند. پس آنان را داستان‌هایی قرار دادیم (که مردم

لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿١٩﴾ وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ

برای یکدیگر بلاگو کردد و دیگر اری از آن‌ها بر جای ماند، و (اجتماع قدرتمند و باشکوه) آنان را کاملاً ملامتی کردیم. قطعاً در این (سرکلاشت)،

فَاتَّبَعُوهُ الْاقْرَبِيًّا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٠﴾ وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ

نشانه‌هایی (بزرگ) برای همه‌ی کسانی‌ست که بسیار صبور و شکرگزارند. ۱۹ به راستی ابلیس گمان خود در باری (گمراه کردن) آنان را راست یافت؛ پس جز

مِنْ سُلْطَنِ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي

گروهی (لذتک)، یعنی مؤمنان (بقیه) از او پیروی کردند. ۲۰ او هیچ تسلط بر آنان ندارد (و تنها می‌تواند مردم را وسوسه کند، البته همین قدرت وسوسه‌گری

شَاكٍ وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ﴿٢١﴾ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ

را برای او قرار ندادیم؛ مگر برای این که کسی را که به آخرت ایمان دارد، از کسی که در مورد آن شک دارد، مشخص کنیم. (آری، پروردگار تو، نگهدارنده

مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي

همه چیز است. ۲۱ بگو: کسانی را که به جای «الله»، (خدا) می‌پندارید، فراخوانید. آنان، نه در آسمان‌ها و نه در زمین، مالکیت (چیزی به) سنگینی ذره‌ای

الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شَرِكٍ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ ﴿٢٢﴾

را در اختیار ندارند و در (تدبیر) آسمان‌ها و زمین، هیچ شراکتی (با خدا) ندارند، و خداوند (هم) از میان آن‌ها، هیچ پشتیبانی ندارد.

۱۶ تا ۱۹. قوم سبأ: قرن‌ها پیش، در جنوب شبه‌جزیره حجاز (عربستان کنونی) و در سرزمین یمن، قومی به نام «سبأ» زندگی می‌کرد. سبأ در اصل نام جد بزرگ اعراب یمن بوده است. آنجا سرزمینی پهناور با خاکی حاصل‌خیز بود؛ ولی از آب رودخانه‌هایش بهره‌برداری مناسبی نمی‌شد و آب‌های جاری، در دشت‌ها به هدر می‌رفت. پس از چندی، مردم باهوش آن سرزمین به فکر استفاده از این آب‌ها افتادند و سدهای زیادی در نقاط حساس وطن خود ساختند که از همه مهم‌تر، سد «مَآرب» بود. آن سد، آب بسیار زیادی در پشت خود ذخیره کرده، و به برکت آن، باغ‌ها و کشتزارهای فراوانی احداث شده و به بهره‌برداری رسیده بود؛ به‌ویژه در دو طرف رودخانه‌ای که به سد می‌رسید، باغ‌هایی بسیار سبز و خرم و پرمحصول پدید آمده بود. علاوه بر این، به لطف خدا، راه‌های مسافرتی آنان به شهرهای حاصل‌خیز و پربرکت اطرافشان کاملاً امن بود؛ چراکه در طول راه، آبادی‌هایی با فاصله‌های کوتاه و نزدیک به هم قرار داشت و یک مسافر بدون ترس و سلاح، همچنین بی‌نیاز از داشتن آذوقه‌ی غذایی زیاد می‌توانست در هر زمان از شبانه‌روز به مسافرت رود و در هر آبادی که بخواهد، استراحت کند.

آری، نعمت‌های خدا آنان را از آسمان و زمین احاطه کرده بود؛ ولی متأسفانه آنان به جای شکرگزاری، راه ناسپاسی را پیش گرفتند و خدا را به فراموشی سپردند و به کفران نعمت و فخرفروشی و ظلم و گناه رو کردند. حتی قشر ثروتمند آن قوم که از دارایی‌های فراوان خویش سرمست شده بودند، از خدا تقاضای ابلهانه‌ای کردند؛ آنان تقاضا کردند که آبادی‌هایی را که در راه‌های مسافرتی آنان قرار داشت، به بیابان‌هایی خشک تبدیل کند تا افراد کم‌درآمد دیگر نتوانند به راحت سفر کنند، و مسافرت، مخصوص کسانی شود که ثروت فراوانی دارند و می‌توانند در مسیری طولانی، از خود محافظت کنند و ذخیره‌ی غذایی زیادی با خود ببرند. تداوم این ناسپاسی‌ها، صبر خدا را لبریز کرد، و به فرمان او، چند موش صحرائی سراغ دیواره‌ی سد مَآرب رفتند و آن سد خاکی را از درون سست کردند. ناگهان باران شدیدی بارید و سیلاب عظیمی حرکت کرد و دیواره‌ی سد را - که دیگر توان تحمل آن فشار را نداشت - در هم شکست و آب فراوان سد غرّش‌کنان بیرون ریخت و تمام آبادی‌ها، باغ‌ها، کشتزارها، زراعت‌ها و چهارپایان آن سرزمین را نابود کرد. آن قصرها و خانه‌های باشکوه، به ویرانه‌ای تبدیل شد و از آن سرزمین خرم، صحرائی خشک و بی‌آب و علف بر جا ماند. آری، خدا برای قدرت‌نمایی و درهم پیچیدن پرونده‌ی گردن‌کشان، به اسباب پیچیده و مهیب نیاز ندارد و تمدن عظیمی را با چند موش بر باد می‌دهد تا انسان‌ها به قدرت خداداد خود مغرور نشوند.

وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُزِعَ

و شفاعت (هیچ کسی) نزد او سودی ندارد؛ مگر برای کسی که در مورد او اجازه دهد. پس هنگامی که ترس و وحشت از دل‌های

عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَهُوَ الْعَلِيُّ

شفاعت کنندگان بر طرف شود، (برخی به برخی دیگر) می‌گویند: «پروردگارتان چه فرمود؟» می‌گویند: «حق را (بیان کرد)، و فقط او

الْكَبِيرُ ﴿٢٣﴾ قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ قُلْ

بلندمرتبه و بزرگ است. ۲۳ بگو: چه کسی از آسمان‌ها و زمین به شما روزی می‌دهد؟ بگو: «الله». و در حقیقت،

اللّٰهُ ۗ وَاِنَّا اَوْ اِيَّاكُمْ لَعَلٰى هُدٰى اَوْ فِى ضَلٰلٍ مُّبِیْنٍ ﴿٢٤﴾ قُلْ

ما یا شما، بر هدایتی استواریم، یا در گمراهی آشکاری به سر می‌بریم. ۲۴ بگو: شما از

لَا تَسْئَلُوْنَ عَمَّا اَجْرَمْنَا وَلَا نَسْئَلُ عَمَّا تَعْمَلُوْنَ ﴿٢٥﴾ قُلْ

گناهان ما بازخواست نمی‌شوید، و ما (نیز) از کارهای شما بازخواست نخواهیم شد. ۲۵ بگو: پروردگارا ما، همه‌ی

يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبِّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتّٰحُ الْعَلِیْمُ

ما (و شما) را گرد هم خواهد آورد. آنگاه میان ما به حق داوری می‌کند، و فقط او قضاوت‌کننده و بسیار داناست.

﴿٢٦﴾ قُلْ اَرۜوِنِ الَّذِیۡنَ الْحَقَّتْ بِهِۦ شُرَكَاءُ نٰۤا كَلّٰۤاۤ بَلْ هُوَ اللّٰهُ

۲۶ بگو: کسانی را که شریک خدا قرار داده‌اید، به من نشان دهید. به هیچ وجه (چنین نیست)؛

الْعَزِیۡزُ الْحَكِیۡمُ ﴿٢٧﴾ وَاۤا اَرْسَلْنَاكَ اِلَّا كَآفَّةً لِّلنَّاسِ

بلکه او خدای شکست‌ناپذیر و حکیم است. ۲۷ ما تو را نفرستادیم، مگر به سوی همه‌ی مردم؛

بَشِیۡرًا وَّ نَذِیۡرًا وَّلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا یَعْلَمُوْنَ ﴿٢٨﴾

در حالی که (آنان را) بشیرت و بیم می‌دهی؛ ولی بیشتر مردم، (این واقعیت را) نمی‌دانند. ۲۸

و یَقُولُوْنَ مَتٰی هٰذَا الْوَعْدُ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِیۡنَ ﴿٢٩﴾ قُلْ

می‌گویند: «اگر راست می‌گویند، این وعده کی فرا می‌رسد؟» ۲۹ بگو: شما

لَكُمْ مِیۡعَادٌ یَّوْمٍ لَا تَسْتَاخِرُوْنَ عَنْهُ سَاعَةً وَّ لَا تَسْتَقْدِمُوْنَ

وعده‌گاهی دارید؛ روزی که لحظه‌ای از آن تأخیر نمی‌کنید و (لحظه‌ای) آن را جلو نمی‌اندازید.

﴿٣٠﴾ وَاَقَالَ الَّذِیۡنَ كَفَرُوْا لَنْ نُؤْمِنَ بِهٰذَا الْقُرْءٰنِ

۳۰ کافران گفتند: «نه به این قرآن، و نه به آنچه (از کتب آسمانی) که پیش از آن بوده است، ایمان

وَلَا بِالَّذِیۡ بَیۡنَ یَدَیۡهِ وَّلَوۡ تَرٰیۡ اِذِ الظَّالِمُوْنَ مَوْقُوفُوْنَ

نخواهیم آورد.» ای کاش آن زمان را می‌دیدید که (چگونه) ستم‌کاران در پیشگاه پروردگارش ایستاده‌اند

عِنۡدَ رَبِّهِمْ یَرْجِعُ بَعْضُهُمْ اِلٰی بَعْضٍ الْقَوْلَ یَقُوْلُ الَّذِیۡنَ

و به (اتهام‌های) یکدیگر پاسخ می‌دهند؛ (بدین صورت که) کسانی که (در دنیا) به علت ضعف‌شان

اَسْتَضَعِفُوْا لِلَّذِیۡنَ اسْتَكْبَرُوْا لَوْلَا اَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِیۡنَ ﴿٣١﴾

زیر فشار بودند، به آنانی که تکبر ورزیدند، می‌گویند: «اگر شما نبودید، حتماً ما مؤمن می‌شدیم!» ۳۱

۲۵. هر کس مسئول اعمال خودش است: بر اساس آیات قرآن، کارهای خوب و بد هر کس به خودش تعلق دارد و مردم در برابر کارهای خود بازخواست می‌شوند؛ نه کارهای دیگران. در این آیه می‌خوانیم: «بگو: شما از گناهان ما بازخواست نمی‌شوید و ما نیز از کارهای شما بازخواست نخواهیم شد.» در آیه ۱۳۴ سوره بقره نیز آمده است: «آن‌ها [ابراهیم علیه السلام و فرزندان و نوادگانش]، کسانی بودند که درگذشتند و کارهایشان برای خودشان است و کارهای شما برای خودتان؛ و شما از کارهای آنان بازخواست نخواهید شد.» همچنین آیه ۱۶۴ سوره انعام می‌فرماید: «هیچ کس بار گناه شخص دیگری را به دوش نخواهد کشید.» بنا بر این حقیقت، مهم‌ترین دغدغه‌ی انسان باید اصلاح رفتار و کردار خودش باشد، و پیش از آن‌که کسی به کارهای بد و عیوب مردم توجه کند، باید رفتار ناپسند خود را اصلاح کند. پیشوایان معصوم ما نیز بر این نکته تأکید فراوانی کرده‌اند.

امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «همت فرد عاقل، ترک گناهان و اصلاح عیب‌هایش است.» همان حضرت می‌فرماید: «خوشا به حال کسی که توجه به عیب‌هایش او را از توجه به عیب‌های مردم بازداشته است.» در روایت دیگری از آن پیشوای فرزانه می‌خوانیم: «هر کس در عیوب مردم دقت کند و از آن‌ها بدش بیاید و آنگاه آن‌ها را برای خود بپسندد، احمق واقعی است.» از این رو پیشوایان ما سفارش کرده‌اند که هر کس باید رفتار و کردار خود را پیوسته بازرسی کرده، نقاط منفی آن را اصلاح کند. در حدیثی از امام کاظم علیه السلام می‌خوانیم: «از ما نیست کسی که هر روز، خویشتن را محاسبه نکند؛ بدین صورت که اگر کار خوبی کرده، از خدا بخواهد که بر توفیق او بیفزاید، و اگر کار بدی کرده، از خدا آمرزش بخواهد و به پیشگاهش توبه کند.» البته این توصیه‌ی مهم، به معنای بی‌تفاوتی در قبال رفتار دیگران و ترک امر به معروف و نهی از منکر نیست؛ بلکه بدین معناست که مهم‌ترین دغدغه‌ی هر کس باید سلامت خودش باشد، و توجه به افراد بیمار نباید او را به غفلت از سلامت خود بکشانند. بنابراین، کسی می‌تواند به کمک بیماران دیگر بشتابد و آنان را از بیماری نجات دهد و جلوی سرایت بیماری آنان به جامعه را بگیرد که خود سالم و از بیماری دور باشد.

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا اَنْحُنُ صَدَدْنَكُمْ

کسانی که تکبر ورزیدند، به آنانی که (در دنیا) به سبب ضعفشان زیر فشار بودند، می‌گویند: «پس از آن که هدایت نزد شما

عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ اِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ ﴿۲۲﴾ وَقَالَ الَّذِينَ

آمد، مگر ما شما را از (پذیرفتن) آن بزرگداشتیم؟ (نه)؛ بلکه شما (خودتان) گناه کار بودید» ۲۲ کسانی که (در دنیا)

اسْتَضَعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ الْيَلِ وَالنَّهَارِ اِذْ

به علت ضعفشان زیر فشار، (کافر مانده) بودند، به آنانی که تکبر ورزیدند، می‌گویند: «(این طور نیست)؛ بلکه نیرنگ شب و

تَأْمُرُونَنَا اَنْ نَكْفُرَ بِاللّٰهِ وَنَجْعَلَ لَهُ اَنْدَادًا وَّاسْرُوا التَّدَامَةَ

روز (شما، عامل گمراهی ما) بود؛ زمانی که ما را به کفر به خدا و قرار دادن همتیانی برای او فرمان می‌دادید» و هنگامی که

لَمَّا رَاوُ الْعَذَابَ وَّجَعَلْنَا الْاَغْلَلَ فِيْ اَعْنَاقِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا

عذاب را ببینند، (پشیمانی (خود) را پنهان می‌کنند. و غل و زنجیرها را در گردن‌های کافران قرار می‌دهیم. (با چیزی) جز

هَلْ يُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۲۳﴾ وَمَا اَرْسَلْنَا فِيْ قَرْيَةٍ

کلهایی که می‌کردند، مجازات می‌شوند؟ ۲۳ ما در هیچ شهری هشدار دهنده‌ای نفرستادیم، مگر این که کسانی که نعمت (های)

مِنْ نَّذِيْرٍ اِلَّا قَالُ مُتْرَفُوْهَا اِنَّا بِمَا اُرْسَلْتُمْ بِهِ كٰفِرُوْنَ ﴿۲۴﴾

دنیا) آنان را به طغیان و سرمستی واداشته بود، گفتند: «ما دلایل و معجزاتی را که به همراه آن فرستاده شده‌ایم، انکار می‌کنیم» ۲۴

وَقَالُوا نَحْنُ اَكْثَرُ اَمْوَالًا وَّاَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِيْنَ ﴿۲۵﴾

گفتند: «اموال و فرزندان ما بیشتر است، و ما عذاب نخواهیم شد» ۲۵

قُلْ اِنَّ رَبِّيْ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَّشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ

بگو: مالک و صاحب اختیار من، برای هر کس که بخواهد، رزق و روزی را گشایش می‌دهد یا (آن را) تنگ می‌کند؛

النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿۲۶﴾ وَمَا اَمْوَالُكُمْ وَّلَا اَوْلَادُكُمْ بِالَّتِيْ تُقَرَّبُكُمْ

ولی بیشتر مردم نمی‌دانند، ۲۶ و اموال و فرزندان‌تان، چیزی نیست که شما را بپرستی به پیشگاه ما نزدیک کند؛

عِنْدَنَا زُلْفٰى اِلَّا مَنْ اٰمَنَ وَّعَمِلَ صٰلِحًا فَاُولٰٓئِكَ لَهُمْ جَزَآءٌ

بلکه کسی که ایمان آورد و کلهای شایسته کند (به پیشگاه ما نزدیک است).

الضَّعِيْفِ بِمَا عَمِلُوْا وَهُمْ فِي الْغُرُفٰتِ اٰمِنُوْنَ ﴿۲۷﴾ وَالَّذِيْنَ

پاداشی دوچندان دارند و ایشان در منازل مرتفع (بهشت)، با امنیت (کامل) به سر خواهند برد. ۲۷ و کسانی که در

يَسْعَوْنَ فِيْٓ اٰيٰتِنَا مُعْجِزِيْنَ اُولٰٓئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُوْنَ ﴿۲۸﴾

(ابطال) آیات و نشانه‌های ما می‌کوشند، در حالی که می‌خواهند به خیال خود، ما را (عاجز کنند، در عذاب حاضر خواهند شد. ۲۸)

قُلْ اِنَّ رَبِّيْ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَّشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ

بگو: مالک و صاحب اختیار من، برای هر يك از بندگانش که بخواهد، رزق و روزی را گشایش می‌دهد یا برایش تنگ

وَمَا اَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّٰزِقِيْنَ ﴿۲۹﴾

می‌کند، و هر آنچه انفاق کنید، او (مانند آن، یا بهتر از آن را) جایگزینش می‌کند، و او بهترین روزی دهنده است. ۲۹

۳۹. مطمئن‌ترین سرمایه‌گذاری: اموال و دارایی‌های ما همواره در حال کم شدن و از بین رفتن است و سرانجام خواه و ناخواه همه‌ی آن از دست ما بیرون خواهد رفت؛ اما خداوند راه مطمئنی را برای حفظ و حتی چند برابر شدن اموال ما معرفی کرده و خود نیز آن را ضمانت کرده است. خداوند در این آیه مطلب بسیار مهمی در باره‌ی انفاق بیان فرموده است. او می‌فرماید: «هر چیزی که [در راه خدا] انفاق کنید، او جای آن را پر می‌کند.» طبق این وعده، هر مالی که در راه خدا انفاق شود، از بین نمی‌رود؛ بلکه به دارایی انسان باز می‌گردد. هرچند پاداش کامل انفاق در جهان آخرت به انسان برمی‌گردد، در دنیا نیز شاهد بازگشت مستقیم یا غیرمستقیم آن هستیم. در روایتی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌خوانیم: «هر شب فرشته‌ای ندا می‌دهد: ... خدایا، جای انفاقِ انفاق‌کننده را پر کن.» در حدیث دیگری از آن حضرت می‌خوانیم: «کسی که به جایگزین شدن انفاق یقین داشته باشد، در انفاق کردن سخاوتمند می‌شود.» البته شرط مهم این است که انفاق از مالی حلال و مشروع باشد؛ در غیر این صورت، مقبول خدا قرار نمی‌گیرد.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «اگر کسی از شما مال حلالی را به دست آورد و در راه حلال انفاق کند، هیچ درهمی را انفاق نمی‌کند مگر این‌که خدا عوضش را به او می‌دهد.» البته پاداشی که خدا به هر کار خیر یا صدقه یا انفاقی می‌دهد، معادل آن نیست؛ بلکه چند برابر آن است. در آیه‌ی ۲۴۵ سوره‌ی بقره می‌خوانیم: «کیست که [با انفاق مالش در راه خدا] به خدا وام نیکویی بدهد تا خدا آن را برایش چند برابر بیفزاید؟» در روایتی از امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌خوانیم: «رزق و روزی را با صدقه دادن [برای خودتان] فرود آورید.»

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهْلُوا لِيَأْتِكُمْ كَانُوا

روزی (را یاد کن) که همه‌ی آنان را گرد می‌آورد. آنگاه به فرشتگان می‌فرماید: «آیا اینان، شما را می‌پرستیدند؟»

يَعْبُدُونَ ﴿٤٠﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيْنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا

۴۰ عرض می‌کنند: «تو را (از داشتن هر شریکی) بسیار پاک و منزّه می‌شماریم. تو سرپرست ما هستی؛ نه آنان.

يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ ﴿٤١﴾ قَالِيَوْمَ لَا يَمْلِكُ

(آنان، ما را نمی‌پرستیدند؛ بلکه جنیان را پرستش می‌کردند. بیشتر آنان به جنیان ایمان داشتند. ۴۱ در نتیجه، امروز

بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ

برای یکدیگر اختیار هیچ سود و زیانی را ندارید، و به ستم‌کاران می‌گوییم: «طعم تلخ عذاب آتش را

النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿٤٢﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا

بچشید؛ همان‌که همواره آن را دروغ می‌شمردید. ۴۲ هنگامی که آیات ما در حالی که روشن و واضح

بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانُوا يَعْبُدُونَ

است، بر آنان خوانده می‌شود، می‌گویند: «این فقط مردی است که می‌خواهد شما را از آنچه اجداد و

ءَابَاؤُكُمْ وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا آفَاكٌ مُفْتَرِيَةٌ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا

نیاکان تان می‌پرستیدند، بل‌دارد.» و می‌گویند: «این فقط دروغی ساختگی است.» و هنگامی که حق و حقیقت

لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٤٣﴾ وَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ

زرد کافران می‌آید، درگیری آن می‌گویند: «این فقط جادویی آشکار است.» ۴۳ حال آن‌که ما به آنان کتاب‌هایی

كُتِبَ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَذِيرٍ ﴿٤٤﴾ وَكَذَّبَ

نداده‌ایم که آن را بخوانند (و معیار حق و باطل را بدانند)، و پیش از تو هیچ هشدار دهنده‌ای نزد آنان نفرستاده‌ایم. ۴۴

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَّغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا

(آری، پیشینیان اینان (نیز، پیامبران ما را) دروغگو شمرده‌اند؛ در حالی که اینان به یک‌دهم آنچه به آنان (از نعمت‌های دنیا) داده

رُسُلِي فَكَيْفَ كَانُ نَكِيرٍ ﴿٤٥﴾ قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ

بودیم (هم) نرسیده‌اند. پس پیامبران مرا دروغگو خواندند، و در همان حال کفر و سرمستی، عذاب فرا رسید). پس (نگر) چگونه من

تَقَوْمُوا لِلَّهِ مَثْنِي وَفُرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ

(وضعیت آنان را) دگرگون کردم. ۴۵ بگو: من شما را فقط به یک چیز پند می‌دهم: این‌که دوتا دوتا و تک تک، برای خدا به پا می‌خیزید؛

إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿٤٦﴾ قُلْ مَا

آنگاه ببندیدید (و به این حقیقت برسید) که هم‌نشین شما (یعنی پیامبر) هیچ نوع جنونی ندارد. او فقط هشدار دهنده‌ای برای شماست که

سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ

پیش از عذابی شدید آمده است. ۴۶ بگو: هر مزدی که (برای رسالت) از شما خواستم، (صرفاً) به نفع خودتان است. اجر من فقط با خداست، و

شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٤٧﴾ قُلْ إِنَّ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَٰمَ الْغُيُوبِ ﴿٤٨﴾

او بر همه چیز گواه است. ۴۷ بگو: پروردگرم، حق را (به وسیله وحی، بر قلب من) می‌افکند. او از ناهان‌های (جهان) به‌خوبی آگاه است. ۴۸

سجده

۴۶. اسلام؛ آیین تفکر: بدون تردید هیچ مکتب و آیینی به اندازه‌ی اسلام بر اهمّیت تفکر و اندیشیدن تأکید نکرده است؛ تا جایی که این آیه به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد که به مردم بگوید: من فقط شما را به یک مطلب پند می‌دهم، و آن این‌که دو نفر - دو نفر یا تک‌تک و دور از هر گونه غوغا و شلوغی محیط‌های احساسی، با خود خلوت کنید و برای خشنودی خدا - و نه هیچ‌کس دیگر - تصمیم بگیرید که بیندیشید؛ اندیشه‌ای دور از تعصّب و پیش‌داوری‌های ناآگاهانه. آری، نخستین و مهم‌ترین توصیه‌ی دین ما، دعوت به تفکر و اندیشیدن در سایه‌ی توجه به خداست؛ زیرا هیچ تحوّل و پیشرفتی بدون تفکر ایجاد نمی‌شود. اسلام از مردم می‌خواهد که در باره‌ی آفریدگار خویش، در باره‌ی این‌که در کجای هستی قرار دارند، در باره‌ی این‌که به کجا می‌روند و برای چه هدفی خلق شده‌اند، بیندیشند. اسلام، مردم را به تفکر در باره‌ی مخلوقات خدا به‌ویژه وجود خودشان فرا خوانده و نیز از آنان خواسته که در باره‌ی سخنان خدا و آیات بی‌شمار او بیندیشند. اسلام همچنین از انسان‌ها می‌خواهد که در رفتار خود بیندیشند و آن را اصلاح کنند. آری، اسلام، آیین تفکر است. در روایات پیشوایان معصوم ما نیز فکر و اندیشه در درجه‌ی نخست اهمّیت قرار گرفته است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «آگاه باشید که هیچ خیری در عبادت بدون تفکر نیست.» گاهی می‌شود که عبادت برای انسان به صورت عادت در می‌آید؛ یعنی چون عادت کرده‌ایم، نماز می‌خوانیم. در این صورت، عبادت ما فقط عمل و حرکتی ظاهری‌ست. در روایتی از امام رضا علیه السلام می‌خوانیم: «عبادت به فراوانی نماز و روزه [بی‌تفکر] نیست. عبادت حقیقی، اندیشیدن در کار خدا [و اسرار جهان آفرینش] است.» در حدیث دیگری از امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌خوانیم: «این تفکر است که [انسان را] به کارهای خوب و انجام دادن آن‌ها دعوت می‌کند.»

قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبَدِّلُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ ﴿٤٩﴾ قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ

بگو: (یا توبول قرآن) حق فرا رسیده، و افکار و عقاید باطل، نه (حقیقتی را) آغاز می‌کند و نه (از حقایق گذشته، حقیقتی را) دوباره به میان می‌آورد. بگو: ^۱فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَى نَفْسِي وَإِنْ اهْتَدَيْتُ فِيمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ رَبِّي ^۲ گمراه شوم، فقط به ضرر خودم گمراه شده‌ام، و اگر هدایت یابم، به سبب وحی است که پروردگرم بر من می‌کند؛ زیرا او بسیار شنوا و نزدیک

إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ ﴿٥٠﴾ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَاتَّخَذُوا

است. ۵۰. اگر (وضعیت آنان را) در آن زمان می‌دیدى که وحشت‌زده شده‌اند، به طوری که هیچ (راه) گریزی (از عذاب من) ندارند. و از جای نزدیک گرفتار می‌شوند، از یک صحنه بسیار هولناکی را مشاهده می‌کردی! ۵۱. و می‌گویند: «به او ایمان آوردیم.»؛ حال آن‌که دستری (به

مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ ﴿٥١﴾ وَقَالُوا ءَأَمَنَّا بِهِ وَأَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَاطُوشُ

از مکانی دور (از دنیا) برای آنان چگونه ممکن است؟! ۵۲. در حالی که حقیقتاً پیش از این، منکر او شدند. و از جای دور (یعنی سرای

مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٥٢﴾ وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَيَقْذِفُونَ

دنیای) در پاره‌ی آنچه از چشم‌ها پنهان بود (یعنی آخرت)، سخن‌هایی بی‌دلیل می‌گفتند. ۵۳. و (با مرگ،) میان آنان و خواسته‌هایشان جدایی

كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُّرِيبٍ ﴿٥٤﴾

انداخته می‌شود؛ همان‌طور که پیش از این، با گروه‌های مشابه آنان رفتار شد؛ زیرا آنان همواره شک و تردیدی بسیار زیاد داشتند. ۵۴

سُورَةُ فَتْحِ الْاِطِّينِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِه نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

الْحَمْدُ لِلّٰهِ فَاطِرِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ جَاعِلِ الْمَلٰٓئِكَةِ رُسُلًا اُولٰٓئِ

سپاس و ستایش برای «الله» است که پدیدآورنده‌ی آسمان‌ها و زمین است (و فرستگاران را که دو و سه و چهار بال دارند،

اَجْنِحَةً مَّثٰی وَاَثَلَتْ وَّرُبْعٌ یَّزِیْدٌ فِی الْخَلْقِ مَا یَشَآءُ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰی

فرستادگانی قرار داد. او هر چه را که بخواهد، در آفرینش (خویش) اضافه می‌کند؛ زیرا خدا بر

كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ ﴿١﴾ مَا یَفْتَحُ اللّٰهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكٍ

هر کاری تواناست. ۱. خدا، هر در رحمتی را برای مردم بگشاید، هیچ کس نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد. و آنچه را (که از مردم)

لَهَا وَمَا یُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهٗ مِنْ بَعْدِهٖ وَهُوَ الْعَزِیْزُ الْحَكِیْمُ ﴿٢﴾

بگذارد، هیچ کس نمی‌تواند پس از بگذاشتن خدا، آن را (برای مردم) بفرستد. (آری،) اوست که شکست‌ناپذیر و حکیم است. ۲

یٰۤاَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَیْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَیْرِ اللّٰهِ

ای مردم، نعمت خدا را که شما را فرا گرفته، به یاد آورید. آیا غیر از خدا، آفریدگاری هست که (از آسمان و زمین

یَرْزُقْكُمْ مِنَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ لِآلِهٖ الْاٰهٗوَا فَاَنْ تَتُوكُوْنَ ﴿٣﴾

به شما روزی دهد؟ هیچ خدایی جز او نیست. پس چگونه (از مسیر حقیقت) بگردانده می‌شوید؟ ۳

مَرَكُوَطْبِعِ وَنَشْرَفَانِ كَرِیْمِ

۲. هیچ‌کس نمی‌تواند مانع لطف و رحمت خدا شود: جهان، مجموعه‌ای از هست‌ها و نیست‌هاست. چیزهایی که هستند، به فرمان پروردگار مقتدر عالم وجود دارند، و چیزهایی که اصلاً پدید نیامده یا از بین رفته‌اند، به خواست خدا وجود ندارند. در حقیقت، منشأ تمام اتفاقات، حوادث، زندگی‌ها و مرگ‌ها، «خواست و اراده‌ی خدا» است. موضوع این آیه نیز از همین حقیقت مهم سرچشمه گرفته است. خداوند در این آیه بیان می‌کند که «هر رحمتی را که خدا برای مردم بگشاید، هیچ‌کس نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد، و آنچه را که خدا از مردم باز دارد، هیچ‌کس نمی‌تواند آن را برای مردم بفرستد.» زندگی بسیاری از انسان‌ها در دوران‌های دور و نزدیک، به‌روشنی به این واقعیت گواهی می‌دهد؛ چنان‌که مُرود و مُرودیان می‌خواستند ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام را به خاکستر تبدیل کنند و نام و یاد او را محو کنند؛ ولی هیزم افروخته، به گل و گیاه تبدیل شد و نام ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام همواره در آسمان تاریخ همچون خورشید درخشیده و می‌درخشد. برادران یوسف عَلَيْهِ السَّلَام می‌خواستند او را از یاد پدر ببرند و آوارهی کوه و بیابان کنند؛ غافل از این‌که بر خلاف خواست آنان و مطابق اراده‌ی خدا، با توطئه‌ی خویش، جاده‌ی عزت و سربلندی او را هموار می‌کردند. دشمنان محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای تگه‌تگه کردنش نقشه کشیدند و او برای حفظ جان‌ش، شبانه مکه را ترک کرد؛ اما پس از چند سال، مکه و تمام اهالی آن در اختیار او قرار گرفت. دشمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام با تمام وجود برای پاک کردن فضایل او از تاریخ اسلام کوشیدند؛ ولی به خواست خدا، نام او در صدر بزرگ‌مردان تاریخ بشریت قرار گرفته است. یزید و یزیدیان، سر مبارک حسین عَلَيْهِ السَّلَام را از بدن جدا کرده، بر سر نیزه کردند، و با همین اشتباه، نام او را تا قیام قیامت بر سر زبان‌ها و یادش را در اعماق جان‌ها نشانند. شاید خود ما نیز در زندگی خود یا نزدیکانمان این تجربه را لمس کرده باشیم که گاهی بر خلاف تمام اسباب و علل ظاهری، لطف و مهربانی خدا شامل حاملان می‌شود و گاهی با وجود تلاش و کوشش فراوان و در نظر گرفتن تمام جوانب، به هدف خود نمی‌رسیم. اینجاست که انسان درمی‌یابد که فراتر از هر دستی، دستی نیرومند قرار دارد که در عین پنهانی، قلمرو فرمان‌روایی خود یعنی عالم هستی را با حکمتی فراگیر اداره می‌کند. ایمان به این مطلب، چنان آرامشی در وجود انسان ایجاد می‌کند که دیگر از سختی‌ها نمی‌هراسد و با دیدن مشکلات، پا پس نمی‌گذارد؛ زیرا می‌داند که وظیفه‌ی او، اطاعت از فرمان خداست، و رسیدن یا نرسیدن به هدف، به خدا مربوط می‌شود، و نه به او. چنین انسانی، مردم و هر سبب دیگری را تنها یک وسیله می‌شمارد و در عین تلاش و کوشش و استفاده از ابزار و وسایل زندگی، نتیجه‌ی کار را به خدا واگذار می‌کند و با تمام وجود می‌گوید: «أَقْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ»؛ یعنی: «کار خویش را به خدا می‌سپارم؛ زیرا خدا بر احوال بندگانش بیناست.»

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

اگر تو را دروغگو شمرند، غمگین مشو که) مسلماً پیش از تو نیز پیامبرانی (فرزوان) دروغگو شمرده شده‌اند. و همه‌ی کارها تنها به خدا بازگردانده می‌شود.

۴ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا

ای مردم، وعده‌ی خدا حق است. بنابراین مبادا زندگی دنیا، شما را بفریبد. و مبادا (شیطان) بسیار فریب‌کار، شما را نسبت

وَلَا يَغُرَّتْكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ ۝۵ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ

به (آمزش) خدا فریب دهد و در برابر او گستاخ کند. ۵ شیطان، دشمنی (بزرگ) برای شماست؛ بنابراین، شما (بیز) او را

عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ ۝۶ الَّذِينَ

دشمن قرار دهید. او. دار و دسته‌ی خود را فقط از این رو فرامی‌خواند که از دوزخیان شوند. ۶ کسانی

كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ

که کفر ورزیدند، عذابی شدید دارند. و آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، آمزش

مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ۝۷ أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سَوْءُ عَمَلِهِ فَرَأَاهُ حَسَنًا

و پاداشی بزرگ خواهند داشت. ۷ پس آیا کسی که کار زشتش برای او آراسته شده و به همین سبب، آن را خوب می‌داند، مانند کسی است که در پرتو

فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ

ایمان، حقیقت را به خوبی درمی‌یابد؟ هرگز یکسان نیستند؛ زیرا خدا هر کس را که بخواهد، (به سزای کفر و گناهانی که از او سر زده) گمراه می‌کند،

عَلَيْهِمْ حَسْرَتٌ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ۝۸ وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ

و هر کس را که بخواهد، (به پاداش ایمان و درست‌کاری‌اش) هدایت می‌کند. پس مبادا جلالت از حسرت (ایمان‌ناپردن) آنان، از دست برود؛ زیرا

الرِّيحُ فَتَثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ

خدا از کارهای آنان به خوبی آگاه است (و به سبب همین کارهای زشت، آنان را گمراه کرده است). ۸. «الله» کسی است که پادها را فرستاد. آنگاه

مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ ۝۹ مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا

(پادها، ایها) را برانگیختند و به حرکت درآوردند. سپس آنها را به سرزمینی (خشک و مرده) راندم. آنگاه با آنها، زمین را پس از مرگش زنده کردیم. زنده کردن

إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ

(مردگان نیز) همین‌گونه است. ۹ هر کس بخواهد عزت و پیروزی است، باید آن را از خدا بخواهد؛ عزت و شکست‌ناپذیری، تنها از آن خداست. سخنان پاکیزه،

يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَٰئِكَ هُوَ يُبَوِّرُ

به سوی او بالا می‌رود، و کار شایسته، آن سخنان را برتری می‌بخشد. کسانی که حیل‌های زشت به کار می‌گیرند، عذابی شدید خواهند داشت و نیرنگ‌شان تباه

۱۰ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا

و برپاد است. ۱۰ خداوند، شما را از خاک (ناچیز) آفرید؛ سپس از نطفه‌ای (بی ارزش)؛ آنگاه شما را گونه‌هایی (از زن و مرد) قرار داد.

وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا يَعْلَمُهُ ۚ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ

و هیچ زنی باردار نمی‌شود و (فرزند خود را) به دنیا نمی‌آورد، مگر این‌که خدا (به همه‌ی این حالات) آگاه است. و هیچ کس عمر طولانی

وَلَا يَنْقُصُ مِنْ عُمرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ۝۱۱

نمی‌کند و از عمر هیچ کس کاسته نمی‌شود، مگر این‌که در نوشته‌ای (ثبت شده) است. این (کار) برای خدا آسان است. ۱۱

۸. تزیین شیطان: شاید تاکنون ترکیب وصفی «جهل مرگب» را شنیده باشید. جهل مرگب یعنی نادانی و جهالتی که انسان دچارش شده و خودش هم از آن خبر ندارد؛ مانند دانش‌آموزی که درسی را درست نفهمیده، ولی خیال می‌کند که آن را آموخته، و بنابراین هیچ‌گاه برای فهمیدن آن درس تلاشی نمی‌کند، و حتی در برابر کسانی که به او تذکر می‌دهند، موضع می‌گیرد، و تنها هنگامی از وضعیت اسفناک خود مطلع می‌شود که کار از کار گذشته و باید تاوان نادانی و بی‌خبری از نادانی خود را بپردازد؛ در حالی که اگر او از نادانی خود خبر داشت، آمیدی به اصلاحش وجود داشت. از این رو شاعری سروده است: «آن کس که نداند و بداند که نداند/ لنگان خرک خویش به مقصد برساند/ آن کس که نداند و نداند که نداند/ در جهل مرگب ابدالذهر همانند». ما انسان‌ها نیز دانش‌آموزانی هستیم که در مدرسه‌ی دنیا برای تحصیل علم و رشد و کسب کمالات ثبت‌نام شده‌ایم. در این مدرسه‌ی بزرگ، انسان‌ها راه و رسم زندگی را می‌آموزند و برای زندگی بسیار وسیع‌تری در جهان آخرت آماده می‌شوند. برخی از مردم اما به جای توجه به معلمان دلسوز این مدرسه یعنی پیامبران، سراغ بازی‌گوشی و خوش‌گذرانی می‌روند و چنان در هوسرانی خود غرق می‌شوند که درس و مدرسه را فراموش می‌کنند و می‌پندارند دنیا، جایی برای بازی و خوش‌گذرانیست و هر کس دم را در نیابد، قافیه زندگی را باخته است! چنین افرادی نه تنها گرفتار جهل مرکب شده‌اند، از آن پرتگاه نیز به پرتگاهی عمیق‌تر سقوط کرده‌اند؛ زیرا کسی دچار جهل مرکب است که مطلبی را نمی‌داند و از نادانی خود ناآگاه است؛ اما این افراد، حقیقت را به خوبی می‌دانند؛ ولی برای حفظ منافع زودگذر خویش، آن را انکار می‌کنند و خود را به غفلت و بی‌خبری می‌زنند؛ مانند فرعون و دار و دسته‌ی کافرش که قرآن در باره‌شان می‌فرماید: آنان آیات و نشانه‌های ما را انکار کردند؛ در حالی که به راست بودن آن یقین داشتند (نمل - ۱۶). در این حال، انسان، انسانیت خویش را از دست می‌دهد، و به فرموده‌ی آیه‌ی ۱۷۹ سوره‌ی اعراف، به موجودی گمراه‌تر از چهارپایان تبدیل می‌شود؛ زیرا انسانیت انسان، در گرو کشف حقیقت و پیروی از آن است؛ نه دانستن آن و پشت کردن بدان! در حقیقت، چنین افرادی، دچار این قانون فطری شده‌اند که درک و فهم درست انسان، در پی لجاجت و نافرمانی خدا و افراط در شهوت‌رانی و گناه، به طور کامل از بین می‌رود و انسان، راه اشتباه را درست برمی‌شمرد. آیه‌ی مورد بحث دقیقاً به همین نکته اشاره می‌کند و می‌فرماید: «آیا کسی که کار زشتش برای او آراسته شده و به همین سبب آن را خوب می‌داند، مانند کسی‌ست که در پرتو ایمان، حقیقت را به خوبی در می‌یابد؟» در آیات ۱۰۳ و ۱۰۴ سوره‌ی کهف نیز می‌خوانیم: «بگو: آیا شما را از زیان‌کارترین مردم آگاه کنم؟ آنان، کسانی هستند که سعی و تلاششان در زندگی دنیا نادرست است؛ ولی می‌پندارند که درست عمل می‌کنند.» در روایتی از پیامبر ﷺ نقل شده که روزی شیطان با حضرت موسی عليه السلام ملاقاتی داشت. حضرت موسی عليه السلام از او پرسید: مرا از گناهی باخبر کن که اگر آدمی آن را انجام دهد، بر او مسلط می‌شود. او گفت: هنگامی که شخصی از خودش خوشش بیاید و کارهای خوبش را بسیار شمارد و گناهانش در چشمش کوچک شود، بر او مسلط می‌شوم.

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا

این دو دریا، یکسان نیستند: این (یکی) شیرین و برطرف کننده‌ی تشنگی، و نوشیدنش گواراست؛ و آن (دیگری) شور و

مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِنْ كُلِّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ

تلخ است. (و در عین حال،) از هر دو، گوشت تازه‌ی (ماهی) می‌خورید، و در پی بیرون آوردن زیوری هستید که از آن

حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفَلَكَ فِيهِ مَوَازِرَ لَتَبْتَغُوا مِنْ

استفاده می‌کنید. و کشتی‌ها را در آن می‌بینی که (برای اهدافی مهم، سینه‌ی آب را) می‌شکافند، و (یکی از آن اهداف،)

فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۱۲﴾ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ

این (است) که از فضل خدا طلب و (او را) سپاسگزاری کنید. ۱۲ (با آمدن بهار، از ساعات شب می‌کاهد و) شب را در

و يُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلَّهُ

روز داخل می‌کند، و (با آمدن پاییز، از ساعات روز می‌کاهد و) روز را در شب داخل می‌کند، و خورشید و ماه را (برای

يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ

منافع مهمی) رام و مسخر کرد؛ به طوری که هر یک تا زمانی معین در حرکت‌اند. این «اللَّهُ» است؛ مالک و صاحب‌اختیار

تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ ﴿۱۳﴾

شما. فرمان‌روایی فقط از آن اوست، و کسانی که به جای او می‌پرستید، مالک کمترین چیزی (هم) نیستند. ۱۳ اگر آنان را

تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ

صدا بزنید، صدا ی شما را نمی‌شنوند، و اگر (هم) بشنوند، به (خواستهای) شما پاسخی نمی‌دهند، و روز قیامت، این را که

وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ

شما (ایفسان را) شریک (خدا) قرار می‌دادید، (به کلی) انکار می‌کنند. (هیچ‌کس) مانند (خداوند) آگاه، تو را (از

خَيْرٍ ﴿۱۴﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ

حقایق) باخبر نمی‌کند. ۱۴ ای مردم، این شما هستید که به خدا نیاز دارید، و این خداست که بی‌نیاز

الغنى الحميد ﴿۱۵﴾ إِنْ يَشَاءُ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿۱۶﴾

و شایسته‌ی ستایش است. ۱۵ اگر بخواهد، شما را از بین می‌برد و مخلوقاتی جدید به وجود می‌آورد. ۱۶

وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ﴿۱۷﴾ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِنْ

و این (کار) برای خدا دشوار نیست، ۱۷ هیچ گنه‌گاری، بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد، و اگر شخص سنگین‌باری، (کسی را)

تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ جَمَلِهَا لَا يُحْمَلُ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ

به برداشتن (بخشی از) آن فرا خواند - هر چند خویشاوند (او) باشد - ذره‌ای از آن برداشته نخواهد شد. تو فقط کسانی را

إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

هشدار می‌دهی که از پروردگارشان که (از چشم‌ها) ناپیداست، می‌ترسند و نماز را کامل و بی‌نقص به جای می‌آورند. هر کس

وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴿۱۸﴾

(از زشتی‌ها) پاک شود و رشد یابد، فقط به سود خودش پاک شده و رشد یافته است، و بازگشت (همه) فقط به سوی خداست. ۱۸

۲۲

۱۸. هیچ گنه کاری بار گناه دیگری را به دوش نمی کشد: جمله‌ی ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾

که در پنج آیه آمده، یکی از اصول مهم و زیربنایی اندیشه‌ی اسلامی است. در حقیقت این جمله از سه جهت دارای اهمیّت است. نخست، بیانگر عدل خداست و این که خدا هر کس را در ازای کارهای خوب و بد خود او پاداش و کیفر می‌دهد، و نه در برابر کارهای دیگران؛ زیرا جزا دادن کسی به سبب کار دیگری، ظلم است، و ظلم و ستم از خدای عادل دور است. دوم این که به همه‌ی انسان‌ها درک و فهم وسیعی می‌بخشد که صالح یا فاسد بودن جامعه و خوب یا بد بودن مردم نباید در خودسازی فردی و اصلاح اجتماعی و مبارزه‌ی آن‌ها با ظلم و ستم اثر بگذارد؛ زیرا همه‌ی ما در پیشگاه خدا مسئول‌ایم و خوب یا بد بودن بیشتر مردم، جواز خوب یا بد بودن ما نیست، و سرانجام تمام انسان‌ها تک‌به‌تک باید در پیشگاه خدا بایستند و در برابر رفتار خویش پاسخ‌گو باشند، و کسانی که به وظیفه‌ی خود عمل کرده‌اند، سعادتمندند، و آنان که کوتاهی کرده‌اند، زیان‌کار خواهند بود. نکته‌ی سوّمی که از این آیه استفاده می‌شود، شدّت و سختی روز رستاخیز است که هیچ کس حاضر نمی‌شود در آن روز بار گناه دیگری را به دوش کشد؛ هرچند او از بستگان نزدیک یا دوستانش در دنیا باشد؛ در حالی که در دنیا بسیاری از افراد، به سبب رفاقت، خویشاوندی یا حتّی سود مادی حاضرند بار گناهان دیگران را بر دوش کشند.

آری، احوال قیامت چنان سخت و هولناک است که نه تنها کسی بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد، بلکه به فرموده‌ی آیات قرآن، انسان‌ها از شدّت ترس و وحشت، تمام پیوندهای دوستی و خویشاوندی را به فراموشی می‌سپارند و با دیدن نزدیک‌ترین خویشاوندان خود، پا به فرار می‌گذارند، و چه بسا آرزو دارند که بار گناه خود را بر دوش عزیزترین کسان خود در دنیا بگذارند. البتّه دوستان خدا از این وضعیّت مستثنی هستند و آنان در آخرت در کنار یکدیگر در کمال دوستی و محبّت زندگی خواهند کرد.

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ ﴿١٩﴾ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ
 نابینا و بینا یکسان نیستند؛ ۱۹ و نه تاریکی‌ها و روشنایی؛

﴿٢٠﴾ وَلَا الظُّلُّ وَلَا الْحَرُورُ ﴿٢٠﴾ وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ
 ۲۰ و نه سایه و گرمای آفتاب؛ ۲۱ و زندگان و مردگان (نیز) یکسان نیستند. خداوند، هر کس را که بخواهد، (برای

إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ ﴿٢٢﴾
 پذیرش حق،) شنوا می‌کند، و تو نمی‌توانی (کافران دل‌مرده که همچون) مردگان در گورها (هستند) را شنوا کنی. ۲۲

إِنَّ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ ﴿٢٣﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا
 تو فقط هشداردهنده‌ای. ۲۳ ما تو را مؤذنه‌دهنده (مؤمنان) و هشداردهنده (کافران) فرستادیم؛ در حالی که

وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ ﴿٢٤﴾ وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ
 سر اسیر حق هستی. و هیچ امتی نیست، مگر این‌که هشداردهنده‌ای در آن بوده است. ۲۴ اگر تو را دروغگو می‌شمرند،

كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالزُّبُرِ
 (تعجبی نیست؛) پیشینیان آنان (نیز) پیامبران را (دروغگو شمرند؛ در حالی که پیامبران‌شان با دلایل روشن و نوشته‌های

وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ
 پندآموز) و کتاب روشنگر سرافشان آمدند. ۲۵ آنگاه کافران را مجازات کردم. پس (بنگر) چگونه من (وضعیت

نَكِيرِ ﴿٢٦﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا
 آنان را) دگرگون کردم. ۲۶ آیا ندیده‌ای که خداوند از آسمان آبی را فرو فرستاد؟ آنگاه به وسیله‌ی

بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بِيضٌ
 آن، میوه‌هایی رنگ‌رنگ پدید آوردیم و برخی از کوه‌ها، رگه‌ها و جاده‌هایی با رنگ‌های متفاوت؛

وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ ﴿٢٧﴾ وَمِنَ النَّاسِ
 (رنگ‌هایی مانند) سفید و قرمز و کاملاً سیاه. ۲۷ و برخی از مردم و جنبندگان و چهارپایان

وَالدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ
 (نیز) به همین صورت دارای رنگ‌های گوناگون هستند. از میان بندگان خدا، فقط افراد

عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ ﴿٢٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ
 دانا از خدا می‌ترسند. خداوند، شکست‌ناپذیر و بسیار آمرزنده است. ۲۸ کسانی که کتاب خدا

كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ
 را تلاوت می‌کنند و نماز را کامل و بی‌نقص به جای می‌آورند و از آنچه به ایشان روزی کرده‌ایم، پنهان و آشکار انفاق

سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ ﴿٢٩﴾ لِيُؤْفِقَهُمْ
 می‌کنند، به تجاری امید بسته‌اند که کساد نخواهد دید. ۲۹ (چنین می‌کنند) تا (خداوند) پاداش آنان

أَجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٣٠﴾
 را کاملاً به ایشان بدهد و از لطف و عنایت خود (نیز) بر (اجر) ایشان بیفزاید؛ چه این‌که او بسیار آمرزنده و قدرشناس است. ۳۰

۲۸. دانشمندان حقیقی: شاید هنگامی که واژگان علم و دانش و عالم و دانشمندان به گوش ما برسد، به یاد درس و بحث و دانشگاه و آزمایشگاه و کتابخانه بیفتیم؛ ولی تعریف قرآن از دانش و دانشمند، با تعریف ما متفاوت است. از نظر قرآن، دانشمندان، کسانی نیستند که مغزشان صندوقچه‌ی آراء و افکار این و آن و پر از فرمول‌ها و قوانین علمی جهان باشد. از نظر قرآن، نشانه‌ی دانشمند حقیقی، این نیست که بیشتر عمر خود را در دانشگاه‌ها و کتابخانه‌ها سپری کند و کتاب‌ها و مقالات فراوانی به جای گذاشته باشد؛ بلکه قرآن، دانشمندان حقیقی را کسانی بر می‌شمرد که در نشانه‌های خدا در جهان هستی و وجود خود می‌اندیشند، در سخنان او و فرستادگانش تدبّر می‌کنند، و این فکر و اندیشه، آنان را در برابر عظمت و بزرگی خدا خاشع و فروتن می‌کند و به انجام وظایف خود در قبال او وا می‌دارد. آری، عالمان راستین، کسانی هستند که خدا و وعده‌هایش را با تمام وجود باور کرده‌اند و تمام تلاش خویش را برای جلب خشنودی او به کار می‌بندند؛ کسانی که از تک تک پدیده‌های هستی، درس خداشناسی می‌گیرند و با دیدن هر موجودی، به یاد پدیدآورنده‌ی دانا و توانای آن و علم و قدرت بی‌پایان او می‌افتند، و این یادآوری مقدّس، به علم و آگاهی ایشان از خدا می‌افزاید و بر فروتنی آنان در برابر خدا اضافه می‌کند.

در آیات قبل، به نزول باران و پدید آمدن میوه‌های رنگارنگ از آن اشاره شده بود؛ همچنین به رنگ‌های کوه‌ها و رگه‌های سنگ‌ها که گاهی سفید، گاهی سرخ و گاهی مشکی‌ست؛ همچنین به رنگ‌های گوناگون پوست انسان‌ها، جانوران و حیوانات و دام‌ها. آنگاه این گوناگونی رنگ‌ها، یکی از نشان‌های خدا معرفی شده که تنها عالمان حقیقی از آن درس می‌گیرند، و این علم و آگاهی، به خداشناسی و خداترسی آنان می‌افزاید. «برگ درختان سبز در نظر هوشیار/ هر ورقش دفتری است، معرفت کردگار». البته پژوهشگران بی‌ایمان نیز در ویژگی‌ها و رازهای پدیده‌های جهان دقّت و مطالعه می‌کنند؛ ولی متأسفانه مطالعاتشان، ایشان را به آفریدگار جهان نزدیک نمی‌کند. برای همین، با دیدن گل‌های زیبای باغ خلقت، باغبان زبردست آن را نمی‌ستایند. از این رو، از نظر قرآن، چنین افرادی، دانشمندان حقیقی نیستند؛ بلکه حاملان دانش هستند که از علم خود بهره‌ی کامل نمی‌برند. اما علمی که انسان را با خدا آشنا کند و در پرتو ایمان به او و خشنودیش باشد، باارزش‌ترین سرمایه‌ی انسان محسوب می‌شود. در حدیثی از پیامبر ﷺ می‌خوانیم: «علم، مایه‌ی زندگی انسان و رهایی او از جهل، مایه‌ی روشنایی چشم‌ها و رهایی آن‌ها از تاریکی، و مایه‌ی قوت بدن‌ها و رهایی آن‌ها از ناتوانی‌ست. [علم و دانش]، انسان را به منزلگاه‌های خوبان و اقامتگاه‌های نیکوکاران و بالاترین درجات در دنیا و آخرت می‌رساند. [ارزش] بحث و مذاکره در باره‌ی علم و دانش، با روزه‌داری برابر است، و خواندن و مطالعه‌ی آن، با عبادت شبانه مساوی‌ست.»

وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا

و آنچه بر تو وحی کرده ایم، یعنی این کتاب، حق و حقیقت کامل است که کتب آسمانی پیش از خود

بَيَّنَّ يَدِيهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿٣١﴾ ثُمَّ أَوْرَثْنَا

را تصدیق می کند. به راستی خداوند نسبت به بندگانش آگاه و بیناست. ۳۱ سپس این کتاب را به

الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ

کسانی که از میان بندگانمان برگزیده ایم، به لوث دادیم. پس برخی از بندگانمان به خود ستم می کنند، و بعضی میانرو

وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذِنَ اللَّهُ ذَلِكَ

هستند، گروهی با توفیق خدا (و به وسیله ی کراهی خوب، از دیگران) سبقت می گیرند (و به قرب الهی می رسند). این (میراث

هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ﴿٣٢﴾ جَنَّتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ

نهادن کتاب الهی به بندگان برگزیده، حقیقتاً لطف و عنایتی بزرگ است. ۳۲ (آن افراد شایسته) در باغ هایی (از بهشت) که برای اقامت

فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا وَ لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ﴿٣٣﴾

همیشگی ست، و لود می شوند. در آنجا، با دست بندهایی از طلا و مروارید آراسته می شوند، و لباس شان در آنجا ابریشم است. ۳۳

وَ قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا

و می گویند: «سپاس و ستایش، از آن خداست؛ همو که اندوه را از ما برطرف کرد. به راستی پروردگار ما بسیار

لَغَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٣٤﴾ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِن فَضْلِهِ

آمرزنده و قدرشناس است؛ ۳۴ همو که از روی لطف و عنایت خویش، ما را در سرای جاودان جای داد؛

لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ ﴿٣٥﴾ وَ الَّذِينَ

به طوری که در اینجا، نه رنجی به ما می رسد و نه خستگی. ۳۵ و کافران،

كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَ لَا يُخَفَّفُ

آتش دوزخ را خواهند داشت. نه فرمان مرگ شان صادر می شود تا بمیرند، و نه عذاب آتش

عَنَّهُمْ مِنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ نُجْزِي كُلَّ كَافِرٍ ﴿٣٦﴾ وَ هُمْ

بر آنان سبک می شود. بدین سان، هر شخص ناسپاسی را کیفر می دهیم. ۳۶ ایشان در

يَصْطَرِّخُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا

آنجا به شدت فریاد می زنند: «پروردگارا، ما را از اینجا بیرون آور تا کارهایی شایسته، غیر از کارهایی که می کردیم، بکنیم»

نَعْمَلْ أَوْلَمْ نَعْمَرْكُمْ مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرْ وَ جَاءَكُمْ

(ولی پاسخ می آید که: «مگر آن قدر به شما عمر ندادیم که شخصی که بخواهد پند گیرد، بتواند در آن (مدت) پند گیرد، و

النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ ﴿٣٧﴾ إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ

(مگر پیامبری) هشداردهنده نزد شما نیامد؟ بنابراین پشید؛ که ستمگران هیچ یآوری ندارند». ۳۷ خداوند از غیب

غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٣٨﴾

آسمان ها و زمین آگاه است. او (اسرار) درون سینه ها را به خوبی می داند. ۳۸

۳۲. وارثان قرآن: خداوند در آیهی قبل، از نزول قرآن بر پیامبر ﷺ و حقایق و هماهنگی‌اش با کتاب‌های آسمانی گذشته سخن گفته و در این آیه توضیح داده که پس از پیامبر ﷺ علم و دانش قرآن را گروهی برگزیده از میان بندگان به ارث برده‌اند. البته برگزیده شدن آن بندگان خاص و به ارث رسیدن دانش قرآن به ایشان، بی‌دلیل نبوده؛ بلکه از این رو بوده که بندگان خدا به سه گروه تقسیم می‌شوند: گروهی گنه‌کار که به خود ظلم می‌کنند؛ گروهی میانه‌رو و نیکوکار که ممکن است گاهی دچار لغزش و اشتباه شوند؛ و گروهی که در تمام کارهای خوب از همگان سبقت می‌گیرند و هیچ‌گاه به کارهای ناشایست دست نمی‌زنند. خداوند نیز این گروه پاک و معصوم را از میان مردم برگزید و پس از پیامبر ﷺ همه‌ی دانش قرآن را به آنان بخشید و ایشان را پیشوایان مردم معرفی فرمود.

آری، حضرت زهرا علیها السلام و امامان دوازده‌گانه علیهم السلام، وارثان حقیقی قرآن هستند که به لطف خدا از تمام معانی و رموز قرآن آگاهی دارند؛ اما آگاهی مردم دیگر از معانی قرآن، اندک، و در بسیاری از موارد با خطا و اشتباه همراه است. از این رو همه‌ی مسلمانان وظیفه دارند برای آشنایی با قرآن و برنامه‌های حیات‌بخش آن، نزد آن پیشوایان معصوم روند و حقیقت را از چشمه‌ی زلال دانش ایشان بنوشند. کسانی که بدون توجه به مکتب اهل‌بیت علیهم السلام و با مراجعه به کسانی که خدا علم و دانش آنان را تأیید نکرده، سراغ قرآن می‌روند، بی‌شک در بسیاری از موارد دچار اشتباه می‌شوند و مقصود حقیقی خدا را نمی‌فهمند؛ درست مانند دانش‌آموزی که بدون مراجعه به معلم دانا، سراغ کتاب درسی پرمحتوایی برود و با حدس و گمان، درس‌های سخت آن را تحلیل کند و در موارد مشکل، به دانش‌آموزانی مانند خودش مراجعه کند! در حدیثی از پیشوای ششم شیعیان می‌خوانیم: «در هر زمان، خدا کسی را از میان ما اهل‌بیت بر می‌انگیزد که از [دانش و رموز] کتاب خدا - از ابتدا تا انتهای آن - آگاه است.» در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم: «هیچ‌یک از مردم ادعا نمی‌کند که تمام [دانش] قرآن را به همان صورت که نازل شده، نزد خود دارد مگر این‌که دروغ‌گوست؛ چراکه هیچ‌کس آن را نزد خود جمع‌آوری و نگهداری نکرده مگر علی بن ابی‌طالب و امامانی که پس از او هستند.»

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ خَلْقَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ

او کسی ست که شما را یکی پس از دیگری در زمین ساکن کرد. پس هر کس کفر ورزد، کفرش فقط به زیان خودش است.

وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ

و کفر کافران فقط موجب زیاد شدن خشمی بزرگ در پیشگاه پروردگارشان (نسبت به آنان) خواهد شد. و کفر کافران

كُفْرُهُمُ إِلَّا خَسَارًا ﴿٣٩﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ

فقط به زیان آنان می افزاید. ۳۹ بگو: مرا از بت هایتان که به جای خدا می پرستید، آگاه کنید: به من نشان دهید

دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ

که چه چیزی از زمین را آفریده اند. آیا در (آفرینش) آسمان ها شراکتی دارند؟ آیا به آنان کتابی داده ایم.

أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَتٍ مِنْهُ بَلْ إِنَّ يَعِدُ الظَّالِمُونَ

و در نتیجه، آنان به سبب (داشتن) آن، بر دلیلی روشن استوارند؟ (این طور نیست؟) بلکه ستم کاران فقط

بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا ﴿٤٠﴾ إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَوَاتِ

به یکدیگر وعده هایی دروغین می دهند. ۴۰ خداوند، آسمان ها و زمین را نگه می دارد تا هابا از

وَالْأَرْضِ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ

بین بروند. و اگر در آستانه ی نابودی قرار گیرند، پس از خدا، هیچ کس نیست که آن ها را حفظ کند.

إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ﴿٤١﴾ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن

او بسیار بردبار و آمرزنده است. ۴۱ (مشرکان، پیش از بعثت پیامبر) با قاطعیت تمام به خدا سوگند خوردند که اگر

جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ

هشدار دهنده ای نزدشان بیاید، حتماً از هر یک از امت ها (و جوامعی که پیامبر داشته اند)، هدایت یافته تر خواهند شد. پس هنگامی

مَا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا ﴿٤٢﴾ اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ

که هشدار دهنده ای را بر سرشان آمد، تنها بر دوری و گریزشان (از حق) افزود. ۴۲ (این روی گردانی،) از سر تکبر و برتری جویی در زمین و

وَلَا يَحْقِيقُ الْمَكْرَ السَّيِّئِ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ

نیرنگ بد بود؛ در حالی که نیرنگ بد فقط دامن صاحبش را می گیرد. بنابراین آیا منتظر (چیزی) غیر از (قوا رسیدن) سنت (الهی)

الْأُولَىٰ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ

هستند (که در مورد) پیشینیان (کنه کار اجرا شد)؟ (نباید چنین انتظاری بکشند)؛ زیرا (هنگامی که فرمان عذاب فرا رسد) هیچ جایگزینی شدنی

تَحْوِيلًا ﴿٤٣﴾ أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ

برای سنت خدا نمی یابند (و عذاب به نعمت تبدیل نمی شود). و (نیز) هیچ جا به جایی برای سنت خدا نخواستی یافت (، و عذاب به قومی

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ

دیگر نخواهد رسید). ۴۳ آیا در زمین سیر و سیاحت نکرده اند تا ببینند فرجام پیشینیان آنان چگونه بوده است؛ در حالی که آنان از اینان

مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا ﴿٤٤﴾

نیرومندتر بودند؟ (آری) هیچ چیزی، نه در آسمان ها و نه در زمین نمی تواند از (حوزه ی قدرت) خدا بگریزد؛ زیرا او همواره دانا و تواناست. ۴۴

۴۱. نگهدارنده‌ی آسمان‌ها و زمین: هر انسانی با ساده‌ترین ذهن و اندیشه، برای هر پدیده‌ای پدیدآورنده‌ای برمی‌شمرد. از این رو قرآن هیچ‌گاه در باره‌ی «خالق هستی» بحث و گفت‌وگو نکرده؛ زیرا هر فرد باشعوری با نگاه در این جهان شگفت‌انگیز به راحت می‌پذیرد که آفریدگاری بی‌نهایت دانا و توانا، آن را پدید آورده است. در آیه‌ی ۹ سوره‌ی زحرف می‌خوانیم: «اگر از آنان بپرسی آسمان‌ها و زمین را چه کسی آفریده است، بی‌شک خواهند گفت: [آفریدگاری] قدرتمند و شکست‌ناپذیر و بسیار دانا آن را خلق کرده است.» مشکل اساسی این است که بسیاری از مردم فراموش می‌کنند که همان آفریدگار دانا و توانا، هم‌اکنون و در هر لحظه نیز خلقت خود را اداره می‌کند، و این مجموعه‌ی بی‌نهایت دقیق و پنهانور، به لطف و عنایت او به حرکت خود ادامه می‌دهد.

از این رو گاهی اداره‌ی جهان را به بت‌های بی‌جان و گاهی به برخی از پدیده‌های هستی مانند خورشید و ماه نسبت می‌دهند و گاهی نیز جهان را به چرخ‌های تشبیه می‌کنند که در ابتدا به حرکت درآمده و هم‌اکنون، به خودی خود در حال چرخش است! این آیه و بسیاری از آیات دیگر قرآن، بر همین نکته تأکید می‌کند و می‌فرماید: این خداست که آسمان‌ها و زمین را از خطر نابودی حفظ می‌کند، و اگر در معرض نابودی قرار گیرد، هیچ کس جز او نمی‌تواند آن‌ها را ننگه دارد. به‌راستی زمین با اراده و تنظیم کدام نیرو، بیش از چهار میلیارد سال است که با سرعت ۳۰ کیلومتر در ثانیه به دور خورشید می‌چرخد و درست در زمان مشخص ۳۶۵ روز - که ثانیه‌ی آن را نیز می‌توان پیش‌بینی کرد - به محلّ نخست خود باز می‌گردد؟ یا کدام نیروست که ستاره‌ی غول‌پیکر خورشید را با مساحت $\frac{1}{4}$ میلیون کیلومتر مربع و وزن $10^{36} \times 19891$ کیلوگرم در فضای بی‌کران ننگه داشته و فاصله‌ی آن را با زمین طوری قرار داده که دمای ۵،۰۰۰،۰۰۰ درجه‌ای سطح آن، به زمینیان آسیبی نرساند و نور و گرمایش، مایه‌ی حیات و زندگی آن‌ها شود؟ همچنین اگر از فضای بی‌کران به دنیای اتم‌ها، مولکول‌ها و سلول‌ها سری بزنیم، باز حیرت می‌کنیم که این مخلوقات بسیار کوچک چگونه به هم پیوسته‌اند و یکدیگر را رها نمی‌کنند و چگونه از هم متلاشی نمی‌شوند. آری، پاسخ این سؤالات و میلیون‌ها سؤال دیگر، فقط و فقط یک چیز است: «این خداست که آسمان‌ها و زمین را از خطر نابودی حفظ می‌کند.»

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى

اگر خداوند، مردم را به کیفر آنچه به دست آوردند مجازات می‌کرد، هیچ جنبنده‌ای را بر زمین باقی

ظَهْرَهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى

می‌گذاشت؛ ولی تا زمانی معین به آنان مهلت می‌دهد، پس هنگامی که اجل‌شان فرا رسد،

فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا

(با دقت به حساب آنان خواهد رسید؛ زیرا) همواره خداوند به بندگانش بیناست. ۴۵

آیاتها ۸۲ سُوْرَةُ الْيَسْرِ: ۲۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

يَس ۱ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ ۲ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ۳

یا، سین. ۱ سوگند به قرآن پر حکمت؛ ۲ که تو از فرستادگان (ما) هستی؛ ۳

عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ۴ تَنْزِيلَ الْغَزِيِّ الرَّحِيمِ ۵ لِيُنذِرَ قَوْمًا

(و) بر راهی راست (و بی‌مانند قرار داری). ۴ (منظورم از قرآن، کتاب) نازل‌شدهی خدای شکست‌ناپذیر و مهربان (است)؛ ۵ تا (با

مَا أَنْذَرْنَا بآبَائِهِمْ فَهُمْ غَافِلُونَ ۶ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ

آن،) جمعیتی را بیم دهی که نیاکان‌شان هشدار داده نشده و از این رو غافل‌اند. ۶ به راستی فرمان (عذاب الهی) بر

أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۷ إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا

بیشتر آنان لازم شده است؛ به همین سبب ایمان نمی‌آورند. ۷ ما در گردن‌های آنان غل و زنجیرهایی قرار داده‌ایم که

فَهِيَ إِلَىٰ الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُّقْمَحُونَ ۸ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ

تا چانه‌هایشان ادامه دارد، و به همین سبب، سرهایشان رو به بالاست (و نمی‌توانند جلوی خود را ببینند). ۸ و از پیش رویشان

سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ۹

مانعی قرار داده‌ایم و از پشت سرشان (نیز) مانعی نهاده‌ایم. آنگاه بر (دیدگان) آنان پرده‌ای افکنده‌ایم. در نتیجه، نمی‌بینند. ۹

وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۱۰

برای آنان، یکسان است که ایشان را (از عذاب الهی) بیم دهی یا ندهی؛ (در هر صورت، آن‌ها) ایمان نمی‌آورند. ۱۰

إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَحَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ

تو فقط کسی را هشدار می‌دهی که از قرآن پیروی کند و از خداوند - با این‌که (از دیدگان) پنهان است - بترسد؛ پس او را به آرزوی

بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ۱۱ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتِ وَنَكْتُبُ

(بزرگ) و پاداشی عالی مژده‌ده. ۱۱ این ما هستیم که مردگان را زنده می‌کنیم و آنچه را که از پیش (در زمان حیات‌شان در دنیا) فرستاده

مَا قَدَّمُوا وَعَأْتَارَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ ۱۲

و آنچه را که (پس از مرگ) از خود به جای گذاشته‌اند، می‌نویسیم و همه چیز را در (وجود) پیشوایی روشن‌گرت ثبت کرده‌ایم. ۱۲

۴۵. اگر خدا مردم را به کیفر گناهانشان مجازات می‌کرد، ... آیات قرآن به روشنی گویای این حقیقت است که شرک و کفر و گناه و نافرمانی خدا، خشم خدا را در پی دارد و ستم‌کاران و گنه‌کاران، مستحق کیفر الهی هستند؛ اما شاید برای برخی این سؤال مطرح شود که چرا ظالمان با خیال آسوده به ظلم خویش ادامه می‌دهند و گنه‌کاران در غفلت و بی‌خبری، به نافرمانی خدا مشغول‌اند و باز هم عذاب خدا فرود نمی‌آید. خدا بارها در آیات قرآن به این سؤال پاسخ داده و فرموده که مهم‌ترین علت نازل نشدن عذاب خدا بر زمینیان، اراده‌ی قطعی خدا در مورد مهلت مشخصیست که به ایشان داده شده تا در این مدت با اختیار خود، راه خوب یا بد را انتخاب کنند، و همچنین مهلتی برای توبه و بازگشت داشته باشند؛ این مهلت برای تک‌تک انسان‌ها تا هنگام مرگ هر یک، و برای بشریت تا پایان دنیا و آغاز رستاخیز است.

بنابراین، عذاب نشدن گنه‌کاران و ستمگران به هیچ‌وجه بدین معنا نیست که خدا نسبت به رفتار آنان بی‌تفاوت است و قصد مجازاتشان را ندارد؛ بلکه به فرموده‌ی آیه‌ی مورد بحث، اگر خدا می‌خواست انسان‌ها را به سبب گناهانشان مجازات کند، چنان عذابی نازل می‌کرد که هیچ جنبنده‌ای بر روی زمین باقی نمی‌ماند؛ ولی او هم‌اکنون چنین تصمیمی ندارد و کیفر مجازات اصلی دشمنان خویش را به زمانی دیگر موکول کرده است. البته جز این دلیل مهم قرآنی، پیشوایان معصوم ما، دلایل دیگری را نیز برای نازل نشدن عذاب بر زمینیان برشمرده‌اند که تمام آن‌ها به یک مطلب بازمی‌گردد: لطف و مهربانی خدا. آری، خدا چنان مهربان است که به علل گوناگون، عذاب را از مردم بازمی‌گرداند و به آنان بیشتر و بیشتر فرصت می‌دهد تا شاید به خود بیایند و توبه کنند. در حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ می‌خوانیم: «در نافرمانی خدا شتاب نکنید؛ زیرا خدا [نافرمانان را] به سختی مجازات می‌کند. [و بدانید] اگر بندگان [عابد و] رکوع‌کننده و مردان خاشع و فروتن [در پیشگاه خدا] و حیوانات زبان‌بسته‌ای که به چرا مشغول‌اند و کودکان [بی‌گناه و] شیرخوار نبودند، بی‌شک عذاب به شدت بر شما می‌بارید!»

وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ

برای آنان، سرگذشتی (عجیب) را بیاگو کن؛ اهل آن شهر را در آن زمان که فرستادگان (خدا) نزد آنان آمدند؛

﴿۱۳﴾ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ

۱۳ آنگاه که دو تن را نزد آنان فرستادیم. پس (مردم را به خدا دعوت کردند؛ ولی) آنان آن دو را دروغگو خواندند. در نتیجه، ما با

فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ ﴿۱۴﴾ قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا

سومین نفر، آن دو را تقویت کردیم. آنگاه گفتند: «ما نزد شما فرستاده شده‌ایم.» ﴿۱۴﴾ (اهل آن شهر) گفتند: «شما فقط انسان‌هایی

وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ ﴿۱۵﴾ قَالُوا

مانند ما هستید و (خدای) رحمان هیچ چیز نازل نکرده است. شما فقط دروغ می‌گویید. ﴿۱۵﴾ (پیامبران) گفتند: «پروردگار

رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ ﴿۱۶﴾ وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلْغُ

ما می‌داند که قطعاً ما (با ما موریتی ویژه از سوی او) نزد شما فرستاده شده‌ایم؛ ﴿۱۶﴾ و وظیفه ما فقط رساندن آشکار

المُبِينُ ﴿۱۷﴾ قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ نَنْتَهَوْا لَنَرْجُمَنَّكُمْ

(پیام الهی) است. ﴿۱۷﴾ (مردم) گفتند: «ما (وجود) شما را به فال بد گرفته‌ایم. اگر (از دعوت‌تان) دست برندارید، حتماً

وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۱۸﴾ قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ

سنگسارن می‌کنیم و از جانب ما، عذابی دردناک به شما خواهد رسید. ﴿۱۸﴾ (پیامبران) گفتند: «(سب) شومی (و بیچارگی)

أَيْنَ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ﴿۱۹﴾ وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا

شما، (همان) کفر و کناهان شماس که) همراه خودتان است. آیا اگر (از سوی افرادی خیرخواه) نصیحت شوید، چنین برخوردی با ایشان

الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَلْقَوهُمْ إِيَّابِ الْمُرْسَلِينَ ﴿۲۰﴾

(صحیح است؟) (شومی‌ای که دامن‌گیرتان شده، از جانب ما نیست؛ بلکه شما (خود) افرادی تجاوزکار هستید. ﴿۲۰﴾ از دورترین نقطه‌ی شهر،

إِتَّبَعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُّهْتَدُونَ ﴿۲۱﴾ وَمَا لِي

مردی شتابان آمد (و) گفت: «ای قوم من، از فرستادگان (خدا) پیروی کنید؛ ﴿۲۱﴾ از کسانی پیروی کنید که هیچ مزدی از شما نمی‌خواهند و خود

لَا آعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۲۲﴾ ءَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ

هدایت شده‌اند؛ آخر چرا کسی را نپرستم که مرا آفریده است و تنها نزد او بازگردانده خواهید شد؟ ﴿۲۲﴾ آیا به جای او، خداپایانی را انتخاب

ءَالِهَةً إِنْ يُرَدِنَ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا

کم؟ اگر (خدای) رحمان بخواهد به من زیانی برساند، شفاعت آنان هیچ چیز (از عذاب الهی) را از من دفع نمی‌کند،

وَلَا يُنْقِذُونِ ﴿۲۳﴾ إِنِّي إِذًا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿۲۴﴾ إِنِّي ءَأَمَنْتُ

و نمی‌توانند مرا نجات دهند؛ ﴿۲۳﴾ در آن صورت، قطعاً در گمراهی آشکاری خواهم بود؛ ﴿۲۴﴾ من به مالک و صاحب‌اختیار شما ایمان آورده‌ام.

بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونَ ﴿۲۵﴾ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي

بنابراین، از من بشنوید (و بپذیرید). ﴿۲۵﴾ (سرانجام، به جرم ایمان، او را کشتند، و از عالم غیب) به او گفته شد: «وارد بهشت شو.»

يَعْلَمُونَ ﴿۲۶﴾ بِمَا غَفَر لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ﴿۲۷﴾

گفت: «ای کاش قوم من از آمرزش پروردگرم نسبت به من و این که مرا از افراد مورد اکرام و احترام قرار داد، آگاه بودند.» ﴿۲۷﴾ و ۲۶ و ۲۷

۱۳ تا ۲۹. پیامبران و مردم انطاکیه: در حدود ۲۰۰۰ سال قبل، در سرزمین شام، شهری به نام انطاکیه وجود داشت که از نظر علم و ثروت و تجارت، یکی از سه شهر معروف روم محسوب می‌شد. پس از ولادت حضرت عیسی علیه السلام و آغاز مأموریت الهی آن پیامبر بزرگ، دو تن از یاران آن حضرت که پیامبر نیز بودند، به سوی مردم انطاکیه فرستاده شدند تا آنان را به دین و آیین حق فرا خوانند. آن دو پیامبر برای اثبات راست بودن دعوتشان، معجزاتی - مانند شفای بیماران صعب‌العلاج - را به مردم نشان دادند؛ اما متأسفانه مردم سنگدل آن شهر، به جای پیروی از حق و حقیقت و به کار انداختن درک و شعور خود، از در لجاجت وارد شدند و به پیامبران خدا تهمت دروغ‌گویی زدند، و پادشاه آن شهر، آنان را دستگیر کرد و به زندان انداخت. در این هنگام، حضرت عیسی علیه السلام، «شمعون صفا» را که بزرگ حواریون بود، دنبال آن‌ها فرستاد. او نیز پادشاه و مردم را به خداپرستی دعوت کرد و معجزاتی را به آنان نشان داد. بر اساس برخی از روایات، پادشاه تصمیم گرفت آن سه پیامبر را به قتل برساند. این خبر در سراسر شهر پخش شد و از میان مردم آن شهر، تنها یک جوان مرد بی‌نام و نشان به نام «حیب نجار» از دورترین نقطه‌ی شهر، دوان دوان خود را به محل اجتماع مردم رساند و سکوت سنگین و شیطانی آنان را شکسته، فریاد برآورد که «ای قوم من، از این پیامبران الهی پیروی کنید». او با شجاعت تمام و دلایل محکم، قوم خود را مخاطب قرار داد و با سخنان قاطع خود، همچون پُتک بر دل‌های سخت آنان کوبید؛ اما دل‌های آن مردم مرده‌دل چنان سخت شده بود که نه تنها تأثیری در وجودشان نکرد، بلکه با بی‌رحمی تمام، حیب را لگدمال و سنگ‌باران کردند، و او در حالی که از خدا می‌خواست که قومش را هدایت کند، جان به جان آفرین تسلیم کرد.

طبق روایات پیشوایان ما، آن بزرگ‌مرد انطاکیه، مقام بسیار والایی نزد خدا داشت. در این هنگام، کاسه‌ی صبر خدا لبریز شد و خشم او به حرکت درآمد. البته - بر اساس آیات ۲۸ و ۲۹ - خداوند برای نابودی آن مردم مغرور و تبه‌کار، لشکری آسمانی سراغشان نفرستاد؛ بلکه تنها یک صیحه و غرغره آسمانی بر آنان فرود آورد؛ که به سبب آن، تمام آنان در دم جان دادند. آری، چنین است قدرت خدا، و چنان است سرنوشت یک قوم گمراه و بی‌ثمر که «بسوزند چوب درختان بی‌ثمر / سزا خود همین است مَر بی‌بری را».